

آثار برگزیده پیرامون حضرت بقیة الله الاعظم (عج)



# مطهرات

## محور مودتھا



نگارش

سید محمود بحر العلوم میردامادی

تہیہ و تنظیم

مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مہدویت





آثار برگزیده پیرامون حضرت بقیة اللہ الاعظم

«عجل الله تعالى فرجه الشريف»

مہر یار

# محور مودتہا

نگارش:

سید محمود بحر العلوم میردامادی

تنظیم:

مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مہدویت

مدرسه و کتابخانہ تخصصی حضرت ولی عصر

«عجل الله تعالى فرجه الشريف»

موسسه انتشاراتی بهار قلوب  
(مدرسه عقائد و کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر (عج))

شناسنامه کتاب

نام کتاب: ..... مهر یار محور مودتها  
تألیف: ..... سید محمود بحر العلوم میردامادی  
تهیه و تنکیم: ..... مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مهدویت  
ناشر: ..... مؤسسه انتشاراتی بهار قلوب  
چاپ: ..... سپهر  
حروفنگاری: ..... خدمات رایانه کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر  
نوبت چاپ: ..... دوم  
شمارگان: ..... ۳۰۰۰ نسخه  
تاریخ چاپ: ..... پائیز ۱۳۷۹ هـ ش شعبان المظم ۱۴۲۱ هـ ق  
قیمت: ..... ۴۵۰ تومان

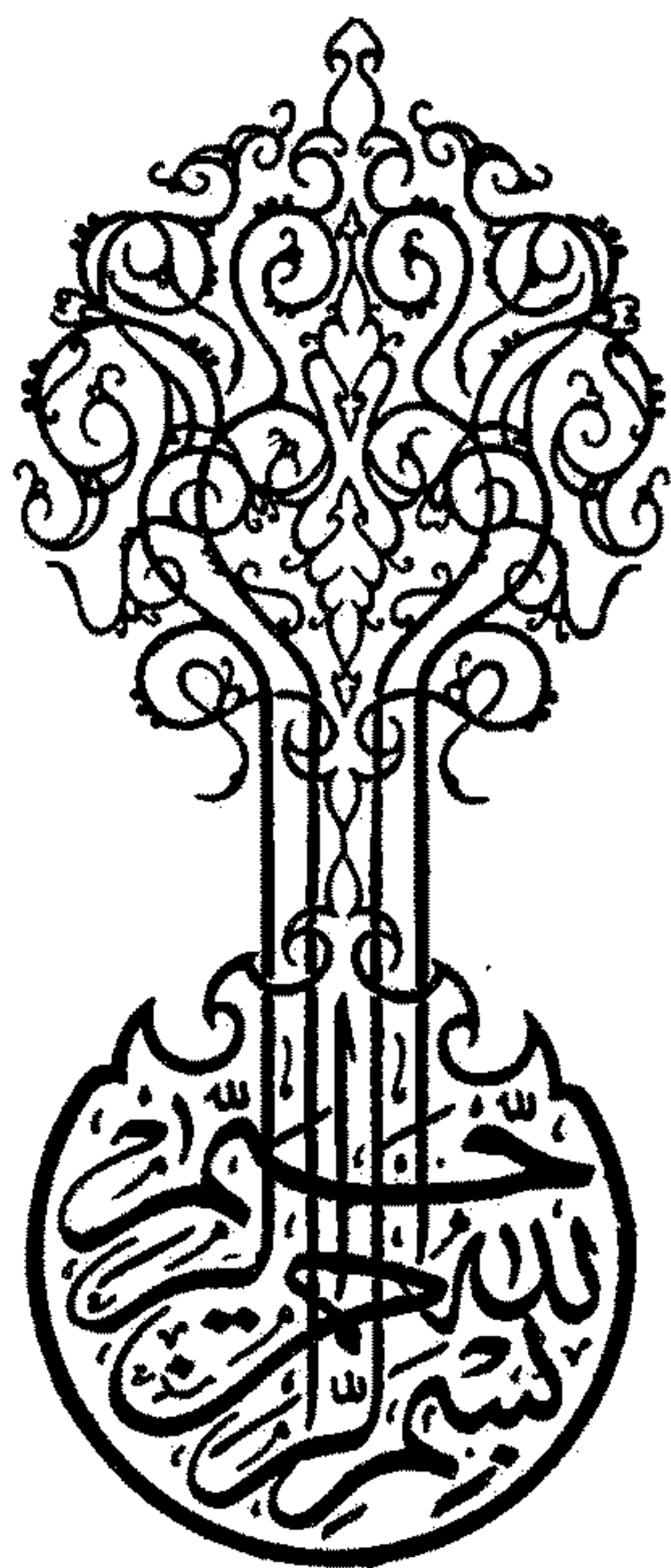
شابک: ۵-۳-۹۲۳۹۲-۹۶۴

کلیه حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است

پست الکترونیکی (اینترنت)

*Email: walisr.as@isfahan.or - ir*

مرکز پخش: قم - خیابان ارم (مرعشی نجفی) - پاساژ قدس - طبقه همکف  
پلاک ۹۸ - کتابفروشی اسلامی - یعقوبی (۷۴۲۰۹۲)



## پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعد از حمد و ثنای الهی و صلوات بر رسولان آسمانی بویژه بر پیامبر اسلام و آل طاهرین ایشان **﴿عَلَيْهِمُ السَّلَامُ﴾** ، مدّتی است افتخار بزرگِ سربازی بزرگِ مصلح جهان بشریت در مکان مقدّس مدرسه و کتابخانه تخصصی حضرت ولیّ عصر (عجل الله فرجه الشریف)

تحت عنوان

«مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مهدویت»

و آخر الزّمان شناسی نصیبمان شده است .

این مدرسه و کتابخانه که در موضوع کلام و پاسداری از مرزهای عقیدتی بویژه مباحث بلند امامت و ولایت اهل البیت **﴿عَلَيْهِمُ السَّلَامُ﴾** خاصّه حضرت بقیّة الله الاعظم (عجل الله فرجه الشریف) تلاش می نماید، کار تحقیق بعضی از کتب پیرامون مهدویت و وجود مطهر حضرت ولیّ عصر (عجل الله فرجه الشریف) را به این مجمع واگذار نموده است ، بحمد الله کتاب حاضر که شامل

شش اثر ارزنده، از آثار برگزیده

حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمود

بحرالعلوم میردامادی «زید عزّه العالی»

بنامهای:

۱- مهر یار محور مودتها «چاپ شده در مجله موعود»

➤ بنام آینده جهان و جهان آینده شماره ۱۲ / بهمن و

اسفند / ۱۳۷۷» تهران

۲- نوید پیامبران بر مصلح آخر الزمان «چاپ شده توسط

بنیاد اندیشه تهران در مجله فرانسوی»

LE MESSAGE DE (*I'ISLAM*) AVRIL 1998 / NO . 161

۳- پرتو نور هو، اشراق نور رب

۴- اشک جوان بر امیر زمان (عجل الله فرجه الشریف)

۵- امام زمان (عج) نشاط بخش روزگاران «چاپ شده در مجله

«پیدای نهان» نیمه شعبان ۱۴۱۹ هـ ق مسجد آیت الله انجلی - تبریز»

۶- مهدی (عجل الله فرجه الشریف) قطب جهان هستی

می باشد، خدمت دوستداران نور و منتظران ظهور ائمه

می‌گردد، البته آثار دیگری در زمینه کلام و عقائد، ولایت اهل‌البیت علیهم‌السلام نقد کتب مستشرقین از مؤلف عالیقدر آماده چاپ است، که با تحقیق و ویراستاری جدید این مجمع منتشر می‌شود، که اینجا به نام بعضی از آنها اشاره می‌گردد.

۱ - اشک خونین «مناظره‌ای پیرامون ولایت تکوینیّه و انکسار موجودات در برابر مصائب اهل‌البیت علیهم‌السلام» به‌ویژه حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام»

۲ - در محضر دوست جلد سوّم «هدایت یافتگان بعنایت حضرت ولی‌عصر (عج)»

۳ - فریاد «علیه انحرافات فکری و عقیدتی»

۴ - پای درس استاد «شرح تجرید الاعتقاد»

۵ - جامعه شناسی مدینه «پژوهشی پیرامون وضعیت شیعه و

آثار مربوط به حضرت بقیة‌الله‌الاعظم (عج) در مدینه طیّبه»

۶ - مباحث ولایت بر محور کتاب شریف الغدير

\* \* \*

در خاتمه جهت تعجیل فرج حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله  
فرجه الشریف) دست به دعا بر می‌داریم و موفقیت و سربلندی دوستان و  
مدافعین حریم ولایت آل عصمت ﴿علیهم السلام﴾ را از خداوند متعال  
خواهانیم.

والسلام علیکم ورحمة الله

مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مهدویت

مدرسه و کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر (عج)

۱۳ / رجب المرجب / ۱۴۲۰ هجری قمری

میلااد با سعادت حضرت علی بن ابی طالب ﴿علیه السلام﴾



اثر برگزیده (۱)

مهریار

محمود مومنی

﴿ پیرامون محبت قلبی نسبت به مولای هستی ﴾

﴿ حضرت بقیة الله الاعظم ﴾

«عجل الله تعالی فرجه الشریف»

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اساس دین اسلام محبت است ، محبت خداوند ، که منعم است ، محبت پیامبر که خیرخواه بشر و مذكر است ، محبت راهنمایان نور ، که نگاهدار دین و مفسران نسخه سعادتند و محبت راهیان نور و منتظران ظهور ، آنها که وابسته به محبوبان الهیند.

روایت می فرماید :

«هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ». (۱)

آیا ایمان غیر از دوستی خدا و اولیاء او و دشمنی با دشمنان ایشان است ؟

پاسخ این است که :

«الدِّينُ هُوَ الْحُبُّ وَ الْحُبُّ هُوَ الدِّينُ». (۲)

حقیقت دین دوستی خدا و اولیاء اوست ، دوستی خدا و اولیاء او حقیقت دین است .

انسان محب ، در طریق محبت محبوب پیروی از کتاب تکوین

۱- وسائل الشیعه جلد ۱۱ / صفحه ۴۳۵

۲- وسائل الشیعه جلد ۱۱ / صفحه ۴۳۵



«آفرینش» و کتاب تشریح «قرآن کریم» می نماید. قانون محبّت در سراسر عالم وجود حکم فرماست و همه موجودات با نظم خاص و ارتباط و اثرپذیری نسبت به یکدیگر، گوش به فرمان خالق، تسبیح گو و محبّ اویند.

«يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»<sup>(۱)</sup>

قرآن کریم که خود نسخه محبّت و سعادت است، انسان را به هماهنگی با کتاب آفرینش فراخوانده و به محبّت الله و اولیاء او دعوت می نماید.

### موجبات محبّت

موجبات محبّت فراوان است، و ما به خواست خداوند در گفتارهای آینده به بررسی آنها می پردازیم. نفع رسانی محبوب به محبّ، یکی از موجبات محبّت است. قرآن کریم می فرماید:

«فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَ أَمَّا مَا يَنْفَعُ

النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ»<sup>(۲)</sup>

اما کف (خاشاک روی آب) نابود گردد، ولی آنچه برای مردم

سودمند است در زمین پایدار بماند .

زید ، کف و خاشاک که خود فاقد کمال است ، چگونه می تواند به جامعه بشری نفع رسان باشد ؟

کور چگونه می تواند عصاکش کور دیگر شود ، خودش در هوی خواهی و علو طلبی مانده ، ادعای خلیفة اللہی و مرشدیت خلق می کند .

خاشاک های تاریخ ، سلاطین جور ، حکام ستمگر ، از خوبیها چه داشتند که بتوانند عطا کنند و سود ببخشند ؟

اما آب ؛ اولاً طهور است ، پاک و پاک کننده ، چه هنری از این بالاتر ؟ محیط زیست را از آلودگی پاک می کند ، به جنگ میکروبها و آفتها می رود ، هوا را طراوت و طهارت می دهد .

و ثانیاً حیات بخشی دارد ، حیات هر ذی حیاتی از آب است ، پس آب به دلیل نفع رسانیش باقی می ماند و محبوب حیات داران عالم است .

علماء و دانشمندان ربّانی ، مجاهدان و شهیدان الهی که بعد از پیشوایان معصوم ﴿علیهم السلام﴾ نقش آب را در طهارت بخشی و حیات دهی در جامعه انسانی دارند ، محبوب انسانها و باقی به



بقاء حق و جاویدانند .

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید :

«الْعُلَمَاءُ بَأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ». (۱)

دانشمندان پایدار و جاویدانند، چندانکه روزگار بجا است .

قرآن می فرماید :

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ

وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ». (۲)

خورشید هم نفع رسان است

چگونه راه را از چاه تشخیص می دهید ، به چه وسیله ؟

اگر نور نباشد چطور ؟

«اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ». (۳)

خداوند راه و چاه را بشما نمایانده و همگان را به پیمودن

صراط مستقیم امر فرموده است .

نور او بوسیله عقل «حجّت درون» و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و

ائمه معصومین (علیهم السلام) «حجج برون» به انسان میرسد .

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام / ص ۱۱۵۶

۳- سورة نور / آیه ۳۵

۲- سورة بقره / آیه ۱۵۴

پس هادی بالذات و اول اوست ، نفع رسانیش برای همه لایقان عالم است ، و لذا محبوب هدایت یافتگان و روشن ضمیران است .

رسول اکرم ﴿ ﷺ ﴾ خورشید آشکار هدایت که بایدها و نبایدها را از طرف خداوند برای مردم بیان داشت ، صراط مستقیم و طریق ظلمت را معین نمود و صحرای خشک و خزان زده فکر و اندیشه بشر را، با باران رحمت آیات و آب حیات مواعظ و روایات ، زندگی دوباره و جان تازه بخشید، نیز محبوب زنده دلان و پاک سیرتان است .

پیامبری که بیشتر از همه انبیاء در راه بیداری مردم و سعادت جامعه بشری ، رنج و شکنجه دیده و برای رضای محبوبش ، خدای متعال صبر و استقامت را پیشه خود ساخت .

**حُبّ شیء مستلزم حُبّ آثار شیء است**

انسان محبّ ، خدا را برای نعم ، خاصّه نعمت هدایتش دوست می دارد و پیامبر را به خاطر خدا و بجهت نفع رسانی ، طهارت بخشی و نور افشانش محبت می ورزد .

سؤال این است، آنکه در نفع رسانی و حیات بخشی به جامعه



بشوری ، کمالات و فضائل انسانی ، نفس (خود) رسول الله ﷺ است ، از محبت محبان مستثنی است ؟ راستی آیا کسی می تواند ، پیامبر را دوست داشته باشد ، ولی قلبش خالی از محبت علی ﷺ باشد ؟

اینچنین کسی در دوستیش دروغگو و کاذب است ، زیرا روح و جان نبی و ولی ، طبق آیه شریفه مباهله <sup>(۱)</sup> و روایات منقول از فریقین متحد و دوستی هر کدام ، مستلزم دوستی دیگری می باشد .

شما را بخدا حدیث منقول از فریقین «كِتَابِ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي» چه می گوید ؟

کتاب الله یعنی کتاب خداوند ، عترتی یعنی عترت من پیامبر ، آیا کسی می تواند خدا را دوست داشته باشد ولی با کتابش بیگانه و مخالف باشد ، ادعای دوستی با رسول الله ﷺ بکند و دوستی عترتش را نادیده بگیرد ؟

دوستی عترت ﷺ چگونه تحقق می یابد ؟

آیا مقدم داشتن مفضول بر فاضل ، خانه نشین نمودن

«مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»<sup>(۱)</sup> و شمشیر کشیدن بر اعلم امت و استاد فرشته و ملک ، دوستی عترت ﴿ ﷺ ﴾ محسوب میشود؟ مگر حبّ پیامبر ﴿ ﷺ ﴾ مستلزم حبّ آثار و وابستگان به آن حضرت نیست؟

پس چرا آثار و احادیث حیات بخش پیامبر ﴿ ﷺ ﴾ محو گردید، و بیان و نشر آن ممنوع اعلام شد؟

چرا هر چه در تاریخ اسلام می نگریم کمتر دوستی و دوست، نسبت به خاندان عصمت ﴿ ﷺ ﴾ پیدا می کنیم و بیشترین صفحات تاریخ را ستم در حقّ اهل بیت ﴿ ﷺ ﴾ پر کرده است؟ «مسلمانان این زمان باید پاسخ گو باشند که چرا با یگانه وارث پیامبر اسلام ﴿ ﷺ ﴾ حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) بیگانه اند و نسبت به یاد او و اهداف مقدّسش بی تفاوت می باشند»؟

مگر اهل سنت به وجود و قیام و ظهور حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) بی عقیده اند؟

مگر احادیث حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) را بسیاری از

---

۱- من عنده علم الكتاب ، حضرت علی بن ابی طالب ﴿ ﷺ ﴾ می باشند

مهریار محور مودت‌ها ..... ﴿ ۱۰ ﴾

صحابه مثل عثمان بن عفان ؛ طلحة بن عبیدالله ؛ عبدالرحمن بن عوف ؛ ابوهریره ؛ عبدالله بن عمر ؛ انس بن مالک و ... نقل نکرده و در کتابهای سنن مثل ابوداود ؛ ترمذی ؛ ابن ماجه و مسانیدی مثل مسند احمد و ... گزارش این موضوع مقدس ثبت نشده است ؟

«آقای خطیب جمعه ، شما در مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ چرا در این موضوع سرنوشت ساز سخن نمی گوئید و با بیان احادیث المهدی (عجل الله فرجه الشریف) از کتب خودتان ، قلوب مسلمین را در برابر تهاجم دشمنان اسلام تسکین نمی دهید ؟ مگر شما نباید دوستدار عترت باشید ؟ و مگر حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) از عترت رسول الله ﷺ نمی باشد ما نمی گوئیم سنی نباشید ، اما آیا سنت رسول الله ﷺ دوستی به عترت ﷺ را درس نمی دهد ؟

«ایدئولوک مرام شما - ابن تیمیه - در کتاب فتاوايش»<sup>(۱)</sup>

و بزرگان اهل سنت آیا احادیث قیام و ظهور حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) را متواتر و غیر قابل انکار



معرفی نکرده‌اند؟

مگر ابو نعیم (صاحب کتاب اخبارالمهدی) و ابن حجر هیثمی (صاحب کتاب القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر) از

علماء شما نیستند؟

مگر رابطة العالم الاسلامی (حجاز) در جواب سؤال ابو محمد کنیائی مسئله قیام و ظهور حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) را از اخبار متواتر معرفی نکرده است؟<sup>(۱)</sup>

به چه علت اگر شیعه‌ای محبت قلبی خودش را نسبت به عترت و (بقیه عترت)، بقیه الله «حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف)» بروز دهد و در فضای پر معنویت مسجد الحرام و مسجد النبی صبح جمعه‌ای بیاد آن یگانه مصلح جهان بشریت اظهار مودت کند و دعای فرج آن حضرت را که فرج و گشایش مؤمنین و آزادی مسلمین از اسارت کفار و مستکبرین است، بخواند،

---

۱- الفتوی فی مسأله المهدی المنتظر - پاسخ یک مسلمان کنیائی - از طرف رابطه العالم الاسلامی - مکه - در کتاب مهدی انقلابی بزرگ / صفحه ۱۴۶ ترجمه آن به فارسی آمده و نیز محقق معظم حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای مهدی پور آنرا به لاتین برگردانده‌اند. راجع: او خواهد آمد / صفحه ۸۳

مشرك خوانده می شود و تحت محاکمه قرار می گیرد؟

راستی سرزنش کنندگان شیعه حدیث شریف نبوی :

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»<sup>(۱)</sup>

را چه پاسخ می دهند؟

حدیث مذکور منقول از فریقین است ، و مدلولش اینست که در

هر زمانی باید امام و رهبر الهی وجود داشته باشد ، بنابر این

امام و پیشوای زمان ما چه کسی می باشد ؟

شما را بخدا از بحث فرار نکنید و مجادله بغیر علم ننمائید ، امامی

که عدم شناختش ، کفر بحساب بیاید ، یعنی افراد بی معرفت در حق

او در صف کفار و مشرکین قرار گیرند ، آیا می تواند حاکم

غیر معصوم باشد ؟

ما قائل به امامت آن آقائی هستیم که ، سنتش سنت نبوی است ،

و انبیاء به ظهورش بشارت داده و حکومتش را مظهر قسط و

عدل و آئینه ایزد نمائی معرفی کرده اند.

---

۱- سند حدیث و شرح آنرا در کتاب شناخت امام یا راه رهائی از مرگ جاهلی

نوشته: محقق معظم حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی

مطالعه فرمائید.

## محور محبتّها

برادری و اخوّت مسلمین باید بر اساس محور محبتّ خداوند و اولیاء او برقرار باشد، در تفسیر آیه شریفه :

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»<sup>(۱)</sup>

مفسّرین شیعه و اهل سنت روایاتی نقل کرده‌اند مبنی بر اینکه حبل الله حضرت علی علیه السلام می باشد. <sup>(۲)</sup>

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

«بِنَا يُصْبِحُونَ إِخْوَانًا بَعْدَ ضَلَالَةِ الْفِتْنَةِ كَمَا بِنَا أَصْبَحُوا

إِخْوَانًا بَعْدَ ضَلَالَةِ الشُّرْكِ»<sup>(۳)</sup>

یعنی : بوسیله ما مردم بعد از گمراهی فتنه، به برادری روی می آورند همانطور که به وسیله ما پس از گمراهی شرک، برادر شدند .

در حدیث کمی تدبّر نمائید ، نمی فرماید «بی» یعنی بوسیله من، می فرماید «بنا» یعنی بوسیله ما پس محور برادری ، دوستی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام ایشان است ، احترام و تعظیم مقام بالا

۲- ینابیع المودّة جلد ۱ / صفحه ۱۳۹

۱- سورة آل عمران / آیه ۱۰۳

۳- کمال الدّین / باب ۲۲



و والای ایشان است .

اخوّت شیعه و دوستی و محبّت گرم آنان با یکدیگر، به محبّت آنان نسبت به رهبران معصوم بر می‌گردد . امروز نقطه اصلی مودّتها و کانون مرکزی و اساسی محبّتهای مؤمنین نسبت به یکدیگر قلب عالم هستی ، حضرت ولیّ الله الاعظم (عجل الله فرجه الشریف) می‌باشند .

کسانی که خواهان تألیف قلوبند و شعار وحدت سر می‌دهند باید جامعه مسلمین «اعمّ از اهل سنّت و شیعه» را به این نقطه اصلی و محور اساسی ؛ یعنی وجود مطهر و منور و مقدّس حضرت ولیّ عصر (عجل الله فرجه الشریف) ؛ توجه داده با بیان آیاتی که در مورد آنجناب است ، تشریح روایاتی که «فریقین» درباره آنحضرت نقل کرده‌اند و بیان وظائف در زمان غیبت ، افکار را به این باب بزرگ الهی سوق دهند .

در دعای ندبه می‌خوانیم :

«أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا»

کجاست آقائی که پراکندگی در امور دین و صلاح و رضای مؤمنین را جمع می‌کند؟

راستی چه سعادت‌مند هستند مردمی که به ولیّ خداوند و وارث انبیاء و ائمه طاهرین ﴿علیهم‌السلام﴾ حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) مودّت و دوستی ورزیده و در نتیجه این حبّ، صفات محبوب را پیدا کرده‌اند مگر نه اینست که بر دوستی آثاری مترتب است، از جمله اینکه محبّ صفات محبوب را بخود میگیرد.

و این خود دلیلی دیگر بر لزوم ترویج و تبلیغ حبّ ولیّ خدا در جامعه انسانی است.

دلسوزان جامعه، معلّمان و مربّیان، کسانی که علیه انحطاط فرهنگی و تهاجم فکری قدم برداشته، دنبال پیشگیری و یا درمان مفاسد اجتماعی می‌باشند، باید تابلوهای تقوی و فضیلت، جوانمردی و عدالت را که در زندگی اهل‌البیت ﴿علیهم‌السلام﴾ وجود دارد به نمایش گذاشته، حیات سرتاسر نورانی و اهداف مقدّس حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) را به تمام زبانهای جهان ترجمه نموده، مبلغ دوستی مصلح بشریت بشوند.

امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) دوست داشتنی‌اند، زندگی زیبائی دارند، اهداف والا و حیات‌بخشی دارند، مگر می‌شود کسی

ایشان را بشناسد و زیبایی صورت و سیرتشان را ببیند ولی  
دوستشان نداشته باشد؟

آنقدر در وجود مطهرشان برای انسانهای لایق؛ جاذبه وجود  
دارد که در زمان غیبت، دوستداران، ایشان را نادیده خریدارند  
و بر پیروی آن جناب کمر همت بسته‌اند.

جاذبه وجود مطهر خاتم الانبیاء ﴿ ﷺ ﴾ را در تاریخ  
خوانده‌اید؟ آن طور که از او پس قرنی با اینکه  
رسول الله ﴿ ﷺ ﴾ را رؤیت ننموده، محبّ دلباخته و پیرو  
استواری ساخته بود. همین جاذبه در وجود خاتم الاوصیاء  
وجود دارد، شما که از تهاجم فرهنگی و تلاش شرق و غرب  
در ترویج فساد گله و شکایت دارید چرا از جاذبه های الهی  
حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) نمی گوئید و نمی نویسید،  
چرا نسل جوان را به معرفت و شناخت صاحب اسلام و  
صاحب زمان نزدیک نمی کنید؟

تشکیل کلاس شناخت آن بزرگوار، نقل تشرّفات معتبر و بیان  
دستگیری و عنایات حضرت، ترویج مراسم ندبه و اشک در  
فراق آن جناب، مس وجود آدمی را مبدل به زر ناب می سازد و



جوان طاغی و گمشده راه را ، خاضع متقی می نماید.  
پیامبر اسلام ﴿ ﷺ ﴾ خریداران ولایت آن حضرت را به  
شگفتی ایمان ، عظمت یقین وصف فرموده است .

« ... إِنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيْمَانًا وَ أَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ  
فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حَجَبَتْهُمُ الْحُجَّةُ ،  
فَأَمَنُوا بِسَوَادٍ عَلَى بَيَاضٍ »<sup>(۱)</sup>

یعنی : شگفت انگیز ترین مردم از نظر ایمان و بزرگترین آنها از  
نظر یقین کسانی هستند که در آخر الزمان زندگی می کنند و با  
اینکه پیامبر ﴿ ﷺ ﴾ را ندیده و حجت الهی هم از دیدگان  
آنها غایب است ، ولی ایمان دارند به آنچه در کتب نوشته  
شده است .

شگفتی ایمان این مردان الهی در آخر الزمان باینست که  
تبلیغات مسموم و تهاجم فرهنگی دشمنان در اعتقاداتشان اثر  
نمی گذارد ، و دل به آیات قرآن و روایات معتبره پیامبر  
اسلام ﴿ ﷺ ﴾ و عترت ایشان ﴿ ﷺ ﴾ داده ، تسلیم قوانین و

---

۱- کتاب شریف منتخب الاثر - تألیف مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی  
صافی گلپایگانی (دام ظلّه العالی) صفحه ۵۱۳ ، معظم له می فرمایند: و رواه

مقررات دین می باشند. و این در حالی است کہ محبوبان الہی را با چشم ظاہر ندیدہ و جمال نورانی پیامبر ﴿ ﷺ ﴾ و حجّت الہی ﴿ ﷺ ﴾ را ظاہراً مشاہدہ ننمودہ اند .

اما در واقع با تقوای جوارحی و قلبی کہ داشتہ اند ، و در اثر مطالعہ و تفکر در آثار و احادیث اہل البیت ﴿ ﷺ ﴾ و چشیدن شیرینی ذکر و نام آن بزرگواران و شرکت در مجالسشان و در سایہ خدمت در راہ دوست و دفاع از حریم محبوب الہی حضرت مہدی (عجل اللہ فرجہ الشریف) بصیرت و بینائی یافتہ ، نادیدہ را با چشم دل دیدہ اند و دل بہ او دادہ اند .

بہ همین جہت ، از این گروہ پایدار در دین و استوار در ولایت محبوب ، پیشوایان معصوم ﴿ ﷺ ﴾ قدردانی نمودہ ، جایگاہ آنان را رفیع دانستہ اند .

امام صادق ﴿ ﷺ ﴾ می فرماید :

« يَا أَبَا بَصِيرٍ : طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي

غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ ، أَوْلِيكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ

الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» .<sup>(۱)</sup>

ای ابابصیر : خوش به حال شیعیان قائم ما ، آنها که در زمان غیبت ، انتظار او را می کشند ، و زمان ظهور ، فرمان آن حضرت را می برند ، آنها اولیاء خدایند که خوفی بر آنها نیست ، و اندوهی ندارند .

و این مقام و بلندی نام که امام صادق علیه السلام توصیف می فرمایند ، نشأت گرفته از معرفت و شناختی است که شیعیان در زمان غیبت نسبت به امامشان کسب می کنند .

پس همه به پیش ، بسوی کسب معرفت حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) ، تشکیل مجامع بزرگ و کنفرانسهای عظیم برای شناساندن آن وجود مطهر به تشنگان صلح و طالبان سعادت در همه جای دنیا ، بیائید همه بلند گوی فضائل و کمالات آن آقای دوست داشتنی شده ، صورت و سیرت آن بزرگوار را از آینه قرآن و روایات معتبره به نسل جوان و همه لایقان جهان نشان دهیم .

شخص حضرتش غایب است چون شخصیت او ناشناخته و برای غالب افراد نامعلوم است .

سبب غیبت او ابرهای جهل و نادانی است که بر فکر و اندیشه انسانها نشسته و آنها را از دیدار خورشید باز داشته است .



مهر یار محور مودتها ..... ﴿ ۲۰ ﴾

منتظران ظهور و طالبان نور آنهایی هستند که با تلاش پیگیر و فعالیت فراوان در زدودن ابر نادانی جامعه نسبت به حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) می کوشند و در تمسک به حبل ولایت، ابراز دوستی نسبت به پیشوایان هدایت و برائت از اعداء قرآن و عترت ﴿ علیهم السلام ﴾ می خروشدند.

از امام هفتم ﴿ علیهم السلام ﴾ نقل شده که فرمود:

«طُوبَى لِسَيِّعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مُوَالَاتِنَا وَالْبِرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا، أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ» (۱)

خوشا بحال شیعیان ما، آنها که در غیبت قائم ما متمسک به حبل ولایت ما می باشند و در دوستی ما و دشمنی با اعداء ما استوار و ثابت قدمند، آنها از ما هستند و ما از آنها می باشیم.

رمز این محبت، جاذبه الهی حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) است، عارفان به آن حضرت، متنعم به این جاذبه اند، و در امواج خروشان این کشش غرقند، برای همین سر از پا نمی شناسند و سرفرازیشان در سربازی نمودن است، خدمت در راه دوست، یاری به وابستگان و دوستان دوست، کارشان می باشد.

دل جزره عشق تو نپوید هرگز

جز محنت و درد تو نجوید هرگز

صحرای دلم عشق تو شورستان کرد

تا مهر کسی دگر نروید هرگز

بر همه مصلحین جامعه و خیر خواهان امت اسلامی لازم است  
با مجاهده دائمی و با گامهای استوار ، ابر جهالت را از افکار  
انسانها برداشته ، آنان را با خورشید پنهان و آب حیات دوران ،  
یگانه منتقم سیده بانوان جهان ، یادگار قتال کننده بر تأویل و  
باطن قرآن ، مصلح جهان بشری از نسل امیر مؤمنان ﴿علیه السلام﴾ ،  
بهترین فرزند رسولان و فرزند بهترین رسولان ، امام انس و  
جان ، رَبِيعِ الْأَنْبَاءِ وَ نَضْرَةَ الْأَيَّامِ ، حضرت صاحب  
الزَّمان (عجل الله فرجه الشريف) آشنا سازند ، که آشنائی با آن مبدأ  
زیبائیها زیبا و محبت آفرین است و محبت حلال مشکهاست .



مَشْتِ

اثر برگزیده (۲)

نوید پیامبران بر

# مصلح آخر الزمان

- ﴿ دیدگاه ادیان و مکاتب ﴾
- ﴿ پیرامون حضرت بقیة الله الاعظم ﴾

«عجل الله تعالى فرجه الشريف»



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله الحكيم :

« وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ

يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ »<sup>(۱)</sup>

این آیه و آیات متعدد دیگر ، بشارتی است برای مستضعفین و عباد شایسته خداوند ، بر اینکه حکومت واحده جهانی در آینده به دست شایسته‌ترین بندگان الهی بر پا می‌شود .

امام باقر (علیه السلام) ذیل این آیه شریفه می‌فرماید :

« هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ »<sup>(۲)</sup>

یعنی : «عباد شایسته‌ای که حکومت داران تمام زمین خواهند شد ، اصحاب حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) در آخر زمان می‌باشند».

البته باور این معنا ، که حقّ به حقدار می‌رسد و حکومت به صاحبان اصلیش بر می‌گردد ، برای مستکبرین و ستمکاران مشکل ، بلکه محال به نظر می‌رسد .

نوید پیامبران بر مصلح آخر الزمان ..... ﴿ ۲۴ ﴾

لذا قرآن کریم می فرماید :

« إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ »<sup>(۱)</sup>

یعنی : «درک این مطلب ، برای بندگان شایسته امکان دارد ، آنها که همواره در نماز و راز و نیازشان از خداوند متعال ظهور منجی جهانی را خواستار بوده اند ، و به حکومت‌های طاغوت و ستمگر دل نداده ، ولایت آنها را نپذیرفته اند».

### حکومت واحده جهانی

انبیاء و سفیران الهی تشکیل حکومت جهانی و ظهور حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) را نوید و بشارت داده اند . تحقق این بشارت تنها راه علاج دردها و مشکلات بشر ، و یگانه طریق رسیدن به کمال انسانی است . حتی اندیشمندان و فلاسفه هم برای یک جامعه منظم جهانی ، پیشنهاد وضع یک قانون جهانی را داده اند . مثلاً کانت (Kant) فیلسوف آلمانی (1724 - 1804) می گوید : «ایجاد نظم جهانی بستگی به وضع یک قانون همگانی و جهانی دارد».

انتظار این مطلب که جامعه انسانی بسوی قانونمندی جهانی گام بردارد حتی در گفتار و حرکت‌های غیر الهیّین هم یافت می‌شود. به تعبیر دیگر سیستم‌های بشری نیز با ادیان الهی، در این انتظار شریک می‌باشند. به گفته راسل (*Rasel*) فیلسوف و نویسنده معروف انگلیسی «انتظار مارکس - پایه گذار فلسفه مارکسیسم - همان انتظار مسیحیان برای رجعت مسیح است». (۱)

البته انتظار این گروه بر اساس هوی پرستی و رفاه طلبی مادی بنا شده و با انتظار مؤمنان به مکتب انبیاء فرق می‌کند. به هر حال با مطالعه در زندگی اقوام بشر و دقت در گفتار سران مذاهبها و مسلک‌های مختلف درمی‌یابیم که اعتقاد به یک منجی بزرگ، اعتقادی رایج و مشترک در بین انسانها بوده است.

گلدیزهر خاور شناس یهودی می‌گوید:

«اعتقاد به بازگشت و ظهور منجی موعود، اختصاص به اسلام ندارد...». افکار مشابهی را می‌توان در میان اقوام دیگری نیز به فراوانی یافت.

بنا بر اعتقاد هندوایسم « ویشنو در حالی که بر اسبی سفید سوار است و شمشیری از شعله آتش در دست دارد ، در پایان دوره کنونی جهان ، به عنوان کال کی ظاهر خواهد شد ...».

در میان اقوام شرقی و غربی حتی در میان سرخ پوستان آمریکا پندارهای مشابهی در باره بازگشت یا ظهور منجی موعود پدید آمده است.<sup>(۱)</sup>

اصولاً فتوریسم<sup>(۲)</sup> یعنی اعتقاد به دوره آخرالزمان ، و انتظار ظهور منجی جهانی ، عقیده‌ای است که در کیشهای آسمانی، یهودیت (جودائیسیم) ، و زرتشتی (زور استریانیسم) و مسیحیت ( در سه مذهب عمده آن : کاتولیک ، پروتستان و ارتدوکس ) ، و مدعیان نبوت عموماً، و دین مقدس اسلام خصوصاً به مثابه یک اصل مسلم قبول شده است. و درباره آن در مباحث تئولوژیک مذاهب و آئینهای آسمانی ، رشته تئولوژی بیبلیکال ، کاملاً شرح و بسط داده شده است.<sup>(۳)</sup>

---

۱ - آخرین امید / صفحه ۱۸۴ با کمی تغییر عبارت - این قسمت از سخنرانیهای گلدیزبهر - در باره اسلام نقل گردید باید دانست که در نظرات این گونه خاور شناسان غرض ورزی علیه اسلام و شیعه وجود دارد .



### بعثت پیامبر اسلام ﷺ

مطلب لازمی که اینجا باید یادآوری شود این است که پیامبران قبل، از جمله حضرت مسیح ﷺ، مبشر بعثت پیامبر اسلام ﷺ بوده‌اند.

کلمه « فارقلیط » *Paraqlit* که معرب کلمه یونانی پاراکلتوس *Parakletos* و به معنای تسلی دهنده و راحت آور آمده است، نام مقدسی است که مصداق واقعی آن رسول گرامی ﷺ می‌باشد.

مرحوم علامه میر سید احمد علوی / صهر محقق بزرگ مرحوم میر داماد / در کتاب مصقل صفا که در ردّ مبلغ مسیحی «پادری» نوشته و با متن سخنرانی تقریظ مانند آقای پروفیسور / هانری کربن محقق معروف فرانسوی / اخیراً چاپ شده است از کلمه « فارقلیط » که در انجیل آمده است (۱) و کلمه / ماداماد / که در تورات از او ذکری به میان آمده، استدلال می‌نماید به اینکه این دو پیامبر عظیم‌الشان موسی و

---

۱ - عبارت انجیل: «ای قوم، حق را بگویم به شما - تا آنکه من نروم فارقلیط نخواهد آمد و در آمدن او مصلح بسیار است».

نوید پیامبران بر مصلح آخر الزمان ..... ﴿ ۲۸ ﴾

عیسی علیه السلام پیروان خود را به بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بشارت داده‌اند. (۱)

ایشان در این تحقیق عالمانه از عبارتی که از تورات نقل می‌کند در مورد امامت ائمه اثنی عشر علیهم السلام نیز نتیجه‌گیری می‌نماید. (۲)

### امید به آینده درخشان

امید به فردای سعادت بخش و عقیده به آینده درخشان ، باعث ادامه حیات فرد و جامعه است . مردمی که به یأس و ناامیدی کشیده شوند ، با زندگی سعادت‌مندانه بیگانه می‌گردند . با همین هدف ، در تهاجم فرهنگی علیه ملت‌های ضعیف ولی امیدوار ، دشمن به گفتار یأس آور و تکذیب انبیاء و اوصیاء که پیام آوران امید می‌باشند ، می‌پردازد و مردم را به حیرت و در نتیجه به گمراهی می‌کشاند .

همانطور که در زمان غیبت حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) سران حکومت‌های طاغوتی و استثمارگران جهانی با تبلیغات

---

۱ - مصقل صفا / صفحات ۶۶ - ۶۹

۲ - مصقل صفا / صفحه ۶۹

مصلحین دروغین همت گمارده، امید و انتظار توده‌های محروم و مستضعف را به یأس و ناامیدی می‌کشانند، اینان به وسیله وعده‌های دروغین و جعل مسلكهای سست و بی محتوا، مردم را در مورد حقایق الهی و واقعیت‌های آسمانی به تردید می‌اندازند.

وقتی مردم ناآگاه به کذب وعده‌های اصلاحگران ساخته استعمار واقف شدند و فریب و نیرنگ مهدی نمایان قلابی برایشان آشکار شد، به اصل دین و مذهب حق و انتظار مصلح واقعی شک می‌کنند و به مسیر یأس و ناامیدی کشیده می‌شوند. برای همین در اخبار پیشوایان معصوم علیهم‌السلام وارد شده که به مدعیان تشرف<sup>(۱)</sup> توجه نکنید و برای ظهور حضرت،

---

۱ - یعنی آنها که ادعای تشرف محضر مبارک حضرت ولی عصر «عجل الله فرجه الشریف» می‌نمایند و از این ادعا سوء استفاده کرده به فریب مردم می‌پردازند. صاحب کتاب ارزنده ولایة المتقین مرحوم طباطبایی ابرقویی رحمته‌الله در مورد روایت تکذیب مدعی روایت بیاناتی دارد که خلاصه‌اش این است که: مدعی روایت را تکذیب کنید یعنی کسی که ادعا دارد و اظهار میکند و به قول معروف دکان باز می‌کند را تکذیب کنید و اگر غیر این مطلب معنای دیگری برای حدیث گرفته شود خلاف حس و یقین است - چون بسیاری از بزرگان خدمت حضرت مهدی «عجل الله فرجه الشریف» رسیده‌اند.

نوید پیامبران بر مصلح آخر الزمان ..... ﴿ ۳۰ ﴾

وقت تعیین ننمائید. (۱)

در حدیث امام جواد علیه السلام است که سرگردانی و حیرت پیش می آید، اگر برای این امر وقتی معین شود، دلها را قساوت می گیرد و مردمان از اسلام برمی گردند، ولی گفته اند: چه زود است چه نزدیک است، ( این گفتار برای امید دادن به مردم است تا دل مردم آرامش پیدا کند و فرج برسد) (۲)

یعنی باید جامعه مأیوس و مضطرب نباشد، با امید و آرامش پیش برود، کار و فعالیت و سازندگی درونی و بیرونی داشته باشد، پر تحرک و استوار به مسئولیتها و وظائف عمل نماید. و اینست معنای انتظار فرج که برترین عبادتها به شمار آمده است.

### نوید پیامبران بر مصلح آخر الزمان

گفتیم پیامبران الهی از جمله حضرت مسیح علیه السلام، بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به امتشان بشارت داده اند و ادامه دهنده راه آن حضرت یعنی وجود مطهر حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) نیز ظهورش مورد توجه انبیاء علیهم السلام

۱ - کذب الوقتون: تعیین کنندگان وقت دروغگویند. اصول کافی جلد ۱ / صفحه ۳۶۸

۲ - غیبت نعمانی / صفحه ۱۵۸



نوید پیامبران بر مصلح آخر الزمان ..... ﴿ ۳۱ ﴾

بویژه حضرت عیسی ﴿ ﷺ ﴾ بوده و از ناحیه آنها بر حکومت  
واحدة جهانی آنحضرت بشاراتی به پیروانشان رسیده است.

### روایات اسلامی ما

قبل از اینکه از انجیل مطلبی در این باره نقل کنیم ، سه روایت  
اسلامی را مورد توجه قرار می دهیم .

۱ - رسول گرامی ﴿ ﷺ ﴾ می فرماید :

« مِنْهُ الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ خَلْفَهُ »<sup>(۱)</sup>

«از ما است آنکسی که عیسی بن مریم ﴿ ﷺ ﴾ پشت سر او  
نماز می خواند».

۲ - و نیز می فرماید :

«سوگند بخدا به یقین پسر مریم به عنوان داوری عادل در میان  
شما نازل می شود، و او پشت سر مهدی نماز می گذارد».<sup>(۲)</sup>

۳ - امام باقر ﴿ ﷺ ﴾ می فرماید:

«حتماً عیسی ﴿ ﷺ ﴾ پیش از رسیدن قیامت به این جهان  
می آید (تا آنجا که می فرماید) : او پشت سر مهدی ﴿ ﷺ ﴾

۱ - منتخب الاثر / صفحه ۳۱۶

۲ - ینابیع المودة / جلد ۳ / صفحه ۸۸ - الملاحم والفتن / صفحه ۶۶

نماز می خواند». (۱)

### انجیل چه می گوید؟

«... بعد دیدم آسمان باز شد و یک اسب سفید در آنجا بود و یک نفر سوار اسب بود که اسمش «امین و حق» بود و روی سرش تاجهای فراوان وجود داشت، بر پیشانی اش اسمی نوشته بود که فقط خودش معنی آن را می دانست، لباس او غرق خون بود او را «کلمه خدا» می نامید. لشکر آسمانی او با لباس لطیف کتانی سفید و پاکیزه، سوار بر اسبهای سفید به دنبال او می آمدند. در دهان خود شمشیری تیز داشت تا با آن به ملت‌های بی ایمان ضربه بزند. او با عصای آهنی بر آنها سلطنت خواهد کرد». (۲)

البته عبارتهای کتب آسمانی بخصوص انجیل درباره حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) فراوان است محققین را به مطالعه کتاب ارزنده «عبری الحسان»: آیه الله نهاوندی ﴿﴾ جلد اول صفحات ۱۸ - ۲۱ - ۳۱ - ۳۵ و کتاب ارزشمند «نوائب الدهور» نوشته آیه الله میرجهانی ﴿﴾ جلد چهارم

۱ - بحار الانوار / جلد ۵۳ / صفحه ۵۱ «باب الرجعة»

۲ - انجیل عیسی مسیح / صفحه ۳۵۳ چاپ دوم خرداد ۱۳۶۴ نشر آفتاب عدالت

صفحات ۲۹۷ الی ۳۱۹ و کتاب ارزنده «لوامع ربّانی» نوشته علامه میر سید احمد علوی رحمته که در این مورد به راهنمایی پرداخته ، دعوت می‌نمائیم .

**شباهت حضرت مهدی به حضرت عیسی بن مریم علیها السلام :**

در خاتمه به شباهتهای حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) به حضرت عیسی علیه السلام اشاره می‌گردد.

امید است بر معرفت همه پیروان انبیاء و طرفداران شرایع آسمانی افزوده شود و همگان برای برپائی حکومت واحده جهانی لیاقت سربازی پیدا کنیم .

۱ - مادر حضرت عیسی علیه السلام بهترین زنان زمانش می‌باشد ، مادر حضرت مهدی علیه السلام نیز همینطور و جدّه‌اش بهترین زنان عالمیان است .

۲ - حضرت عیسی علیه السلام در شکم مادر تکلم فرمود ، حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) نیز همینطور .

۳ - حضرت عیسی علیه السلام در گهواره سخن گفت ، حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) نیز همینطور .

۴ - حضرت عیسی علیه السلام در کودکی حکمت و خصائص نبوت را دریافت ، حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف)

نیز در کودکی، مسؤلیت امامت را بر عهده گرفت.

۵ - حضرت عیسی علیه السلام غایب گردید، حضرت

مهدی (عجل الله فرجه الشریف) نیز همینطور.

۶ - در حیات و ممات حضرت عیسی علیه السلام مردم اختلاف

کردند، در تولد، حیات و ممات حضرت مهدی (عجل الله

فرجه الشریف) نیز همینطور.

۷ - حضرت عیسی علیه السلام به امر خداوند مرده زنده می کرد و

اعجاز داشت، حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) نیز ولایت

تکوینیّه دارد و شفا می دهد و مرده زنده می کند، از این بالاتر

زنده نمودن دلها و قلوب مردم است که خداوند بوسیله او:

«يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»<sup>(۱)</sup>



---

۱ - تفصیل این شباهتها را در کتاب شریف مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم

جلد ۱ / صفحه ۲۵۴ نگاه کنید.

اثر برگزیده (۳)

پرتو نور هو

اشراق نور و رب

﴿ پیرامون میعاد ظهور و نور افشانی ﴾

﴿ حضرت بقیة الله الاعظم ﴾

«عجل الله تعالى فرجه الشريف»



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این سطور را در بیمارستان فیض اصفهان در پاسخ یک دانشجوی زیدی مذهب اهل کشور یمن نوشته‌ام.

سؤال او در مورد بداء بود که: آیا بداء در مسئله ظهور امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) راه دارد؟ و نیز سؤال می‌نمود که بداء در مورد اسماعیل فرزند امام صادق (علیه السلام) به چه معنائی می‌باشد؟

پاسخ را بحول الله و قوته آغاز می‌کنم:

ابتداء باید معنای بداء را فهمید، لذا مختصراً می‌گویم: مردم فکر می‌کنند کاری مورد تقدیر خداوند است و انجام می‌گیرد، اما انجام نمی‌گیرد، معلوم می‌شود این کار اصلاً تقدیر نبوده و خداوند انجام آنرا اراده نکرده، مردم فکر می‌کرده‌اند تقدیر و مورد نظر خداوند بوده است، این معنی اجمالی بداء است.

آقایان علماء از جمله مرحوم میرداماد (قدس سره) در «نبراس الضیاء» و مرحوم علامه مجلسی (قدس سره) در «بحار الانوار» این مسئله را خوب بحث کرده‌اند.

مخالفین می گویند:

شیعه به بداء معتقد است و می گوید:

خداوند پشیمان می شود و کاری را که اراده کرده، از انجامش برمی گردد، این تهمت به شیعه است، شیعه خداوند را فراموشکار و یا پشیمانکار نمی داند.

همانطور که گفتم، بداء به این معنی است که کاری را انسان گمان می کند، انجام میگیرد و خداوند انجامش را خواسته است ولی بعد معلوم می شود که اینطور نبوده و مقدر نبوده و از اول خداوند نمی خواسته است.

رعد و برقی می آید و مردم گمان می کنند الآن باران می بارد، در حالیکه خبری از بارش نمی شود، اگر کسی بگوید خداوند پشیمان شده، بیجا و ناسزا گفته است، بلکه باید بگوید ما گمان می کردیم باران می بارد، ولی خداوند اراده نکرده بود.

شیعه بداء را به این معنی بیان می دارد و نسبت فراموشی و پشیمانی بخداوند متعال نمیدهد.

**اما سؤال در مورد اسماعیل فرزند امام صادق (علیه السلام)**

اجمالاً پاسخ این است که مردم گمان می کردند که اسماعیل

پرتو نور هو، اشراق نور رب ..... ﴿ ۳۸ ﴾

جانشین بعد از امام صادق علیه السلام است، یعنی خداوند اراده کرده او امام باشد، و این خیال و گمان بود و خداوند متعال این مطلب را اراده نکرده بود، بلکه خواست خداوند متعال، ولایت امام موسی بن جعفر علیه السلام بود.

و روایاتی هم که در باب قیّم شدن اسماعیل و یا امامت او داریم، مقابل روایات متواتر که تعیین اوصیاء علیهم السلام نموده، دوام و قدرتی ندارند و مردودند.

اما در مورد علامات ظهور امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) و موارد مشابه آن، ممکن است بعضی مسائل و علامات به نحو حتم نباشد، یا روایت ضعیف باشد و مردم حتم بگیرند و گمان کنند خواست خداوند است، درحالیکه مورد اراده خداوند نبوده و انجام هم نمی‌گیرد.

ولی اصل وجود حضرت و غیبت ایشان و ظهور نورانی آنجناب و علامتهای حتمیه ظهور، خیالبافی و ساخت فکر انسانها نیست، و مسئله مذهبی هم نیست که فقط شیعه و علماء امامیه گفته باشند و روایاتش را نقل کرده باشند، بلکه مسئله اسلامیّه و الهیه است، یعنی همه علماء اسلام، اعم از شیعه و

سنی در این رابطه سخن گفته‌اند و روایات متواتری را از رسول خدا ﷺ نقل نموده‌اند.

اهل سنت کتابهای زیادی در این باره نوشته‌اند، بلکه مکتبهای الهی و آسمانی از ظهور آنجناب خبر داده‌اند و در تورات و انجیل و زبور و... بشارتهائی در این مورد وجود دارد. نویدهای مصلح غیبی از زبان پیامبران اولوالعزم ﷺ به ما رسیده است و حداقل ۶۰ قرن (۶۰۰۰ سال) این نویدها دست به دست هم گشته و امروز بدست ما رسیده است. سالم ماندن این نویدها در طول قرون متمادی، بر اهمیت موضوع افزوده و مسئله را برای ما قطعی‌تر نموده است. (۱)

پس در مورد حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) و ظهور ایشان، بداء معنی ندارد، تولد ایشان که واقع شده و اخبار غیبت و ظهور آنحضرت، متواتر است و صدها کتاب در این موضوع نوشته شده و آیات و روایات در این باب فراوان است.

از جمله :

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ...»<sup>(۱)</sup>

این آیه در مورد حکومت الهیه حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) است و می فرماید:

ما این مسئله را در زبور بیان داشتیم بعد از آنکه در تورات گفتیم .

«وَأُرِيدُ أَنْ مِّنْ عَلَى الَّذِينَ...»<sup>(۲)</sup>

و این آیه هم درباره حکومت مقدسه حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) می باشد .

«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ...»<sup>(۳)</sup>

تحقق این معنی که مردم به عالیتترین درجه کمال و معرفه الله برسند، در حکومت حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) است<sup>(۴)</sup>، عقلها طبق روایات کامل می گردد و برهان «ان»، از مخلوق به خالق رسیدن و توجه به بنای هستی داشتن، براحتی بدون دردسر و مناظره و جدل انجام می گیرد و قلوب،

۲- سورة قصص / آیه ۵

۱- سورة انبياء / آیه ۱۰۵

۴- بحار الانوار جلد ۵۱ / صفحه ۶۲

۳- سورة فصلت / آیه ۵۳



خزانشان از بین می‌رود و بهار دلها آشکار می‌شود (کما اینکه در زیارت حضرت، همین معنا وارد شده است).

در نتیجه بصیرت الهیه پیدا می‌گردد و قبل از نگاه به مخلوق، انسان خالق را با دیده دل می‌بیند و برهان «لمّ» تحقق پیدا می‌کند.

بصیرت الهیه در زمان غیبت هم برای انسان متقی ممکن است پیدا بشود و آن هم در سایه لطف آنحضرت است که :

«يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ»<sup>(۱)</sup>

عنایت آنحضرت در زمان غیبت تابش نور «هو» است که تشنگان معرفت را دستگیری می‌نماید و آنان را از دستگیری ادعائی اقطاب و خرقه پوشان صوفیه «خذلهم الله تعالی» بی‌نیاز می‌نماید.

حکومت نورانی حضرت و ظهور الهی آنجناب، چراغ راه عارفان و حق شناسان است.

«وَبِكَ عَرَفْتُكَ» و «يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ»

(آفتاب آمد دلیل آفتاب)

«أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ...»<sup>(۱)</sup>

در زمان ظهورش که تجلی نور ربّ است،

«أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»<sup>(۲)</sup>

تحت نظر و عنایت آشکار آنجناب، تحقق کامل پیدا می کند.

پس آیه «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» و آیه :

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»

از آیات مهدویتند و نورافشانی غائبانه و اشراق آشکارانه نورالله را بیان می دارند. و این برای همگان مقدور نیست، ایسمی ها که بر اساس هوس، مکتب باز می کنند و از مکتب انبیاء و ائمه عليهم السلام دور افتاده اند و صوفیها که مردود پیشوایان می باشند راهی به نور او در زمان غیبت و نور ربّ در زمان ظهور ندارند.

ادعاهای روشنفکری دسته اول و های و هوی مستانه دسته

دوم، مانع فیض بردن آنها از

«رَبِيعَ الْقُلُوبِ وَ نَضْرَةَ الْأَيَّامِ» است.

دگراندیشان و کسانی که احکام الله را تغییر میدهند و

طراحان صراطهای شیطانی و طرفداران مباحیگری و بی‌قیدی و هو هو کنان وادی تصوّف و درویشگری، هرگز هرگز نه از (نور هو) در زمان غیبت و نه از (نور رب) در زمان ظهور، نمی‌توانند استفاده نمایند، و در قیامت هم گویای:

«أَنْظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ...»<sup>(۱)</sup> می‌باشند.

غیر از قرآن و آیات آسمانی که در باب غیبت و ظهور آن سرور عزیز و امام عالیمقام فراوان است، روایات شیعه و سنی به حدّ تواتر و فوق آن در این باب، مبشّر و امید دهنده می‌باشند.

حتّی متعصّب‌ترین اهل سنّت (وهّابیون) که با شیعه دل‌خوشی ندارند، قائل به وجود و ظهور آنجناب هستند و روایات مهدویّت را متواتر می‌دانند.

### یک مدرک زنده

حدود دو سال قبل شخصی بنام ابو محمّد از کشور کنیا، درباره ظهور مهدی منتظر (عجل الله فرجه الشریف) از مرکز «رابطة العالم الاسلامی» که از متفدّترین مراکز مذهبی حجاز و

مکه است، سؤال کرده است .

دبیر کل رابطه، محمد صالح القزاز در پاسخی که برای او فرستاده است، ضمن تصریح به اینکه «ابن تیمیه» مؤسس مذهب وهابیان نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی (عجل الله فرجه الشریف) را پذیرفته، متن رساله کوتاهی را که پنج تن از علمای معروف فعلی حجاز در این زمینه تهیه کرده‌اند، برای او ارسال داشته است.

در این رساله پس از ذکر نام حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) و محل ظهور او یعنی مکه چنین می‌خوانیم:

«به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم خداوند بوسیله او (مهدی)، جهان را پر از عدل و داد می‌کند، همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است. او آخرین خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر ﷺ خبر از آنها را در کتب صحاح داده است. احادیث مربوط به حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) را بسیاری از صحابه پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند از جمله:

عثمان بن عفان، علی بن ابیطالب، طلحة بن عبیدالله، عبد

الرّحمن بن عوف، عبدالله بن عباس، عمّار یاسر، عبدالله بن مسعود، ابو سعید خدری، ثوبان، قره بن اساس مزنی، عبدالله بن حارث، ابوهریره، حذیفه بن یمان، جابر بن عبدالله، ابو امامه، جابر بن ماجد، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عمر بن حصین و امّ سلمه. اینها بیست نفر از کسانی هستند که روایات حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) را نقل کرده‌اند و غیر از آنها افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند»<sup>(۱)</sup>.

به تعبیر مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی صافی گلپایگانی که خداوند سلامتشان بدارد، عقیده به حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) و غیبت و ظهورشان، اصالت قرآنی و روایی و تاریخی دارد.

بر خلاف نظر بعضی روشنفکر نماهای وطنی که مسئله مهدویت را افسانه انگاشته‌اند، این مسئله، اصالت الهی و آسمانی داشته و مستند به دهها آیه قرآنی و صدها روایت معتبر است.

طائفة منکرین، انکارشان از سر عناد و دشمنی با آل



پرتو نور هو، اشراق نور رب ..... ﴿ ۴۶ ﴾

پیامبر ﴿ ﷺ ﴾ است .

آنها از اینکه حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) بعنوان یک فرد هاشمی، فاطمی، علوی و حسینی مطرح می شود و لقب منتقم خون مظلومان و قائم آل محمد (عجل الله فرجه الشریف) را بخود اختصاص می دهد، و بنام «الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا» خوانده می شود، ناراحتند و با انکار موضوع مهدویت و وجود مطهر حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) می خواهند افتخار بزرگی را از اهل البیت ﴿ علیهم السلام ﴾ سلب نمایند. بنابراین مسئله بداء در این موضوع راه نداشته و چون وعده آسمانی و بشارت الهی است، خلف پذیر نیست و برگشت ندارد .

در حدیثی از امام باقر ﴿ علیه السلام ﴾ آمده است که ظهور حضرت قائم آل محمد (عجل الله فرجه الشریف) از میعاد است یعنی از وعده های حتمی خداوند که خلف در آن راه ندارد : «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادُ»<sup>(۱)</sup> خداوند در وعده های خود خلف نمی کند

\*\*\*

این سطور را به مودت مولایم حضرت بقیة الله، منتقم و قائم

آل محمد (عجل الله فرجه الشریف) در سی سی یو بیمارستان فیض اصفهان روز ۱۳۷۷/۱۱/۲۸ نوشتم. حوصله زیاد نداشته و از کتابخانه و مدارک فراوان دور بودم، خدا کند با ظهور مبارکش مظلومان و محرومان جهان را از کفر و شرک و ستم و نفاق، خلاص نماید و فریاد مقدس «جاء الحق و زهق الباطل» در گوش شیفتگان نور و منتظران ظهور، طنین انداز گردد.



مکتب

اثر برگزیده (۴)

اشک جوان

پیر امیر زلفان

﴿ پیرامون ارتباط جوان ، با بهار آفرین دلهای خزان ﴾

﴿ حضرت بقیة الله الاعظم ﴾

«عجل الله تعالی فرجه الشریف»

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برادر پرهیزکارم آقای دکتر گلشاهی و پزشک بیمارستان فیض دستور دادند یکی دو شب دیگر تحت مراقبت باشم .  
حال چون شب جمعه فرا می‌رسد دوست دارم در مورد مولایمان مطالبی را یادآور شوم و در این خلوت، بیاد او اشک فراق بریزم که:

«أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءُ»<sup>(۱)</sup>

### آینه خدا نما

فکر می‌کردم عظمت و اهمیّت هر علمی به بزرگی و اهمیّت موضوعش بستگی دارد .

لذا معرفت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) و آگاهی به فضائل و شئون آنجناب، ضمن اینکه کار لازمی است، بسیار بزرگ و با اهمیّت است .

اعمال صالحه بر محور معرفت امام دور می‌زند، او را که بشناسی و دوست بداری، می‌فهمی او چه می‌خواهد و چه چیزی مطلوب آنجناب است .

اشکِ جوان بر امیرِ زمان ..... ﴿ ۵۰ ﴾

سلمان و اباذر چون شناختند و ایمان داشتند موفق به انجام صالحات شدند .

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...»<sup>(۱)</sup>

امام میزان الاعمال است، ملاک و معیار است و معرفت او مشخص خوبیها و صالحات می باشد. اعمال سرخودی بدون بخشنامه و دستور امام، صالحات شمرده نمی شود، اثر و ثمری ندارد .

سیئات هم بر همین میزان معلوم می شود، کاری که رضایت حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) را بدنبال نداشته باشد، و حضرتش را ناخشنود نماید .

قرآن کریم می فرماید:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>(۲)</sup>

بعد از امر به اطاعت خداوند متعال و رسول گرامی او، فرمان می دهد از اولی الامر پیروی نمائیم .

با توجه به آیه شریفه، درمی یابیم پیروی از اولی الامر، یعنی



اِثْمَهُ ﴿ عَلَيْهِ السَّلَامُ ﴾ ، مطلقاً واجب است، بر خلاف پیروی از مجتهدان در زمان غیبت که مشروط به عدالت داشتن آنان می باشد .

اینکه اطاعت اولی الامر در ردیف و عرض اطاعت خدا و رسول ﴿ ﷺ ﴾ آمده، و مطلق هم بیان شده، می یابیم آنان معصوم می باشند .

امر و نهی معصوم ﴿ عَلَيْهِ السَّلَامُ ﴾ بطور یقین امر و نهی خدا و پیامبر اسلام ﴿ ﷺ ﴾ است و ما در این موضوع به دلائل مختلف از جمله همین آیه شریفه، تصویری می باشیم .<sup>(۱)</sup>

پس میزان صالحات و سیئات، امام ﴿ عَلَيْهِ السَّلَامُ ﴾ است. تأیید و امضاء او صلاحیت را می رساند و رد و تکذیب او انحراف از حق و فساد را ثابت می نماید .

برای شناخت صالحات و سیئات، خیرات و شرور باید میزان و شاقول را بشناسیم و با دستور و فرمان الهی او حرکت کنیم و یا از حرکت باز بایستیم .

---

۱- یعنی امام را معصوم می دانیم و اعتقاد داریم امر و نهی ایشان عین حق و صواب است .

اشکِ جوان بر امیرِ زمان ..... ﴿ ۵۲ ﴾

دخالت در احکام الله و تغییر حدود و مرزهای الهی، نادیده گرفتن امر و نهی اولی الامر، با تشیع یعنی مکتب پیروی، مخالف می باشد.

قیاسی فکر کردن و به تراوش فکری غیر معصوم بدون استناد به قول معصوم بعنوان میزان و قانون، بها دادن، نهایت تجرّی و جسارت را ثابت نموده، بی ادبی در برابر حق را می رساند.

مکتب تشیع با روش نان به نرخ روز خوردن، مخالف است و متأخر و متقدّم از اولی الامر را محکوم می نماید.

در این مکتب نه طرفداران خلفاء جور راه دارند و نه طبقات صوفیه بهره‌ای، اولی از رهبر الهی عقب افتاده و دوّمی از امام زمانش جلوتر بحرکت در آمده است.

بیماری که در مجاورت من در بیمارستان فیض خوابیده است اظهار تشنگی و عطش می نماید. تازه از عمل جراحی درآمده و نیمه هوش است. به بستگانش پرخاش می کند که آب می خواهم ولی پزشک دستور داده آب حتی به مقدار کم هم به او ندهند. به پرخاش و تندی او افزوده می شود، شنیدم به

اشکِ جوان بر امیرِ زمان ..... ﴿ ۵۳ ﴾

دخترش با صدای ضعیفی می‌گفت: کافر چرا به من آب  
نمی‌دهی؟!

طیب حاذق روی علم و آگاهی امر کرده عوض آب و غذا به  
این بیمار سرم بزنند تا کمبود مواد غذایی را از این طریق  
جبران نمایند .

ولی او چه می‌داند؟ از طبّ چه خبر دارد؟ باید‌ها و نبایدها  
را چه می‌شناسد؟ اصلاً بیهوش است، مصلحت یا مفسده  
سرش نمی‌شود.

این مثل آنهاییست که حبّ دنیا هوش از سرشان برده ولی  
خود را هوشمند می‌دانند و دخالت در امر و نهی پیشوایان دینی  
و ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام می‌نمایند.

بیچاره از ظاهر و باطن، صورت و سیرت انسان بی‌خبر  
مانده و این موجود ناشناخته را شناخته انگاشته، می‌خواهد  
برای او قانون بتراشد و حکم صادر نماید .

امام به علم الهی انسان شناس است و بر همین اساس قانون  
شناس و آمر و ناهی است، طبیبی حاذق و دلسوز است، که امر  
و نهی‌ش برای کمال آدمی مطلوب و باید مسموع واقع گردد .

پس لزوم شناخت امام از این طریق معلوم می‌گردد که برای

شناخت تکلیف باید مکلف و پیشوای الهی را بشناسیم .  
مطلب دیگر: شناخت خداوند متعال است که وظیفه و اصل  
و هدف خلقت است. چگونه او را بشناسیم؟  
نگاه به آینه خدانمائی کنید، مظهر حق و نمایش دهنده علم و  
قدرت و غناء حق را بشناسید .

امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) نماینده خداوند متعال هستند، و  
شناخت ایشان باب معرفه الله است.

«مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ»

نماینده غیبت حق و گرم و رأفت او در بین خلق، امام  
زمان (عجل الله فرجه الشریف) می باشند. غائب است اما گرم می کند و  
به خلق عنایت می فرماید.

**آین تذهبون؟**

چرا بیراهه می روید؟ نماینده حق را چرا تنها می گذارید؟  
جوانان! نوجوانان! شما چرا اینگونه با امام زمانتان بی وفائی  
می کنید؟

چرا بجای نگاه به آینه نور به تابلوهای ظلمت چشم دوخته،  
ایسمها و اقطاب تاریکی را استاد می گیرید؟

اشکِ جوان بر امیرِ زمان ..... ﴿ ۵۵ ﴾

آیا شده است یک روز به غریبی ولی عصرتان اندیشه کنید و او را در برابر تهاجم فرهنگی دوران یاری نمائید؟ آیا می دانید قلمها بجای مسلسلها علیه تشیع و اسلام اهل البیت ﴿علیهم السلام﴾ بکار رفته و بیگانه زدگان با ادعای روشنفکری تیشه به ریشه فرهنگ نورانی قرآن و عترت می زنند؟

چرا از سربازی فرار می کنید؟ مگر نمی دانید سربازی حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) سرفرازی و عزت دنیا و آخرت است؟

چرا فرزندان علماء و بسادات هم بعضاً توفیق سربازی ندارند؟

آیا می دانید امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) با کمی سرباز و قلت کمک کار روبرو می باشند؟

دنیا در حال حاضر خواهان است مکتب اهل البیت ﴿علیهم السلام﴾ یعنی تشیع را بشناسد، نزدیکترین نقطه به ایران تا دورترین نقطه، طبق اطلاع خواستار مبلغ می باشند ولی کدام جوان جوانمردی است که به هوسها پشت پا بزند و به افتخار سربازی حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) نائل گردد و صدای

اشکِ جوان بر امیرِ زمان ..... ﴿ ۵۶ ﴾

مظلومیت فرزندان فاطمه ﴿ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ ﴾ را بگوش ملت‌های شرق و غرب برساند؟

سؤالات و شبهات دوست و دشمن در موضوعات مختلف دینی و مذهبی، سرازیر جامعه و حوزه‌های علمیّه ما شده است.

اندیشمندان دنیا چشم به راه تلاش پیگیر شیعه برای نشان دادن مکتب اهل بیت ﴿ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ ﴾ می‌باشند .

رو آوردن غیر مسلمانها به اسلام و مکتب اهل‌البیت ﴿ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ ﴾ و تشنگی آنها نسبت به فهم مسائل اسلامی، لزوم تقویت جبههٔ سربازان امام مهدی (عجل‌الله فرجه‌الشریف) را صد چندان نموده است، ولی کدام شیعه متمکن و توانمندی است که حداقل از سهم خود امام زمان (عجل‌الله فرجه‌الشریف)، برای تقویت جبههٔ آنحضرت یاری رساند؟ و جوانان پاک طینت، پاکیزه نیت و سرباز، که با زرق و برق دنیا وداع کرده‌اند را به ادامهٔ راه تشویق و ترغیب نماید؟

و کدام شیعهٔ توانمندی است که خوش استعدادترین و با تقواترین فرزندان خویش را برای سربازی امام زمان



(عَجَّلَ اللهُ فِرْجَةَ الشَّرِيفِ) انتخاب کرده و تأمین احتیاجات او نماید؟  
جوانان و نوجوانان! خدا را شاهد میگیرم با ناامیدی که از  
بعض طبقات مردم دارم، به شما امیدوار هستم، برای همین  
مورد خطاب قرارتان می دهم.

چرا به آینه خدانمائی نگاه نمی کنید؟

آنها که دیده اند می گویند چه زیباست؛ چرا زیبا نباشد؟ مگر  
او وجه الله نیست؟ چرا زیبا نباشد؟ مگر آنچه خوبان همه دارند  
از زیباییها، او تنها ندارد؟ چرا زیبا نباشد؟ او مبدأ زیباییها است.  
زیبا است و زیباها را دوست می دارد. زیبای تقوایی و ایمانی،  
پیشگاه او مقام و منزلت دارد. بیائید هر طور شده و به هر وسیله  
به وجه الله، نماینده حق، آینه خدانمائی، حضرت مهدی (عَجَّلَ اللهُ  
فِرْجَةَ الشَّرِيفِ) نزدیک شویم و غم دل آن عزیز را بزدائیم نه بر  
غمش بیفزائیم.

او که فرمود ما شما را فراموش نمی کنیم پس چرا ما او  
فراموش می کنیم؟

مگر او ولی نعمت ما نیست، مگر ما سر سفره اطعام او  
نیستیم، مگر ما از خودمان چیزی داریم؟ چه زیبا است، کار

جوانی که در بین مکتبها، مکتب او را برگزیند و در بین رهبران، رهبری او را انتخاب نماید .

چه زیباست اشک جوان در هجر امیر زمان و یار محرومان، آن هنگام که دعای فرج، ندبه و زیارت مولا می خواند و فریاد صادقانه یابن الحسن سر می دهد.

چه زیننده است جوانی که به سربازی مولای مظلوم و غریب، یگانه غوث و فریادرس، درآید و بهترین بهار زندگی را صرف بهترین انسان و برترین پیشوا نماید.

خدا شاهد است از روی عقیده و اخلاص می نویسم و غیر از وصیت شخصی که نوشته ام این وصیت و سفارش عمومی است که از باب اداء وظیفه می نگارم .

باید بهترین فصل زندگی صرف بهترین راه بشود، بهترین راه کسب معرفت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) و سربازی آن جناب است .

حداقل در رشته و کاری که دارید سربازی را فراموش نکنید، در مدرسه و دانشگاه، در اداره و ارگان، در بازار و خیابان، هر کجا که هستید امر به معروف و ناهی از منکر باشید .

خصوصاً از انحرافات عقیدتی جلوگیری نموده با منحرفین از ولایت اهل البیت (علیهم السلام) و شاگردان ابن تیمیّه و محمدبن عبدالوهاب، اسلام‌بافهای متجدد و دگرانديشان متکبر به مقابله فرهنگی و فکری برخیزید .

اگر قدرت و توان مقابله ندارید در فکر کسب آن باشید .  
مطالعه کنید، سؤال نمائید، کلاس امام‌شناسی و معارف ببینید، با مراکز فکری و فرهنگی در خط ولایت ارتباط داشته باشید و آنها را تقویت نمایید .

### خاتمه

در خاتمه از یادگار آل یس، سبط خیرالمرسلین، گرامی فرزند امیرالمؤمنین، منتقم خون سیّدۀ نساء عالمین، حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) ، خواهانم بر خادمین درگاه و این عبد روسیاه و غلام بی پناه، نگاهی همراه با تبسم رضایت فرمایند .

۱۳۷۷/۱۱/۲۹



مکتب

اثر برگزیده (۵)

امام زمان علیه السلام

# نشاط بخش روزگار

«علت انحطاط مسلمین، دوری از نشاط بخش قلوب مؤمنین»

«حضرت بقیة الله الاعظم»

«عجل الله تعالی فرجه الشریف»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ بِمِمْ وَ عَيْنِ وَ فَاءِ وَ حَائِثِينَ عَجَّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ (۱)

خدای متعال را سپاس که باز مورد لطف ناصرین حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله فرجه الشریف) قرار گرفته و مأمور به نوشتن مقاله‌ای پیرامون آن وجود مطهر شدم.

امید است خدمات خالصانه ایشان مورد نظر بهار آفرین دلهای لایق و نشاط بخش قلوب مؤمنین گردد.

در یکی از سخنرانیها که اخیراً در اصفهان داشتم، دعوت کنندگان موضوع صحبت را بحث پیرامون ولایت و رهبری حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) قرار داده بودند. یکی از مستمعین آن مجلس نورانی به مدرسه و کتابخانه تخصصی ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) مراجعه نموده و پرسید شما غیر از بحث ولایت چیزی نمی‌دانید یا نمی‌خواهید غیر از این بحث، به بحث‌های دیگر مذهبی بپردازید؟ به چه دلیل و برای چه این موضوع پافشاری می‌کنید و غالباً از ولایت سخن می‌گوئید؟

---

۱- اقتباس از دعای امیرالمؤمنین (علیه السلام) صحیفه علویه، ترجمه فارسی آقای

امام زمان نشاط بخش روزگاران ..... ﴿ ۶۲ ﴾

گفتم : اولاً بحث ولایت و امامت دینی است و بالاترین بخش عقائد اسلامی را تشکیل می دهد.

آیات قرآن و روایات رسول گرامی ﴿ ﷺ ﴾ در اهمیت این موضوع فراوان است و رهبری اهل بیت ﴿ علیهم السلام ﴾ ستون و علت مبقیة دین می باشد یعنی در واقع قرآن و پیامبر ﴿ ﷺ ﴾ بر این موضوع پافشاری دارند و بشر را به شناخت و پیروی ائمه نور ﴿ علیهم السلام ﴾ امر و توصیه می فرمایند.

از دیدگاه امامیه «شیعه» که از قرآن و سنت نبوی ﴿ ﷺ ﴾ اتخاذ شده است امامت ادامه راه انبیاء و امام مبین و حافظ قرآن و معلم و مربی جامعه بشریت است.

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب ﴿ علیهما السلام ﴾ می فرماید :

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ بَشَّتُ لَكُمْ الْمَوَاعِظَ الَّتِي

وَعَظَّ بِهَا الْأَنْبِيَاءُ أُمَّهُمُ»<sup>(۱)</sup>

یعنی ای مردم ، من بشما پنجاهائی دادم که پیامبران امتهای خود را (به همان پندها) موعظه نموده و پند داده اند.

گروههای مخالف به امامت به چشم حقارت نگریسته و



امام زمان نشاط بخش روزگاران ..... ﴿ ۶۳ ﴾

گفته‌اند: مقتضی نسب امام، اقامه حدود، مواظبت مرزها و تجهیز لشکر برای جهاد و امور متعلقه حفظ نظام است و این کارها عصمت امام را لازم ندارد. (۱)

ولی ما بدلیل اهمیتی که برای امامت قائل هستیم عصمت را در امام شرط می‌دانیم و اعتقاد به امام معصوم را شرط کمال (۲) و وسیله قرب به خداوند متعال می‌شناسیم. (۳)

اینجا مستمع به سخن درآمد و گفت:

آیا بهتر نبود شما عوض سخن از ولایت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) در مورد علل انحطاط مسلمین صحبت می‌نمودید و خطوط انحرافی که از طرف استعمار برای شکست مسلمین ترسیم شده است را آشکار می‌ساختید؟

گفتم: سؤالتان بنده را وامی‌دارد باز سخن از ولایت بگویم و در عظمت رهبری اهل‌البیت علیهم‌السلام صحبت نموده بشما

---

۱- توضیح المراد علامه مرحوم سید هاشم حسینی طهرانی رحمته‌الله ﴿ ۶۳ ﴾ صفحه ۶۹۶ از قول علماء عامه

۲- بشروطها و انا من شروطها - فرمایش امام رضا علیه‌السلام

۳- ... وابتغوا الیه الوسیله - سوره مائده / آیه ۳۵

امام زمان نشاط بخش روزگاران ..... ﴿٦٤﴾

بفهمانم ، انجطاط مسلمین علت اصلیش دوری از ولایت ائمه  
نور ﴿علیه السلام﴾ و مریبان منتخب خداوند است.

### شناخت امام

امام در قرآن ، ذکر الله و ذکر رَبِّ معرفتی شده است که اعراض  
از او معیشت ضنک و زندگی پر مشقت را بدنبال دارد .

توضیح اینکه ؛ ذکر الله در آیه شریفه :

«فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ»<sup>(۱)</sup>

باطناً به مولای موخّدان امام علی ﴿علیه السلام﴾ نظر داشته

و آیه شریفه :

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي»<sup>(۲)</sup>

و آیه شریفه :

«وَمَنْ يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّي»<sup>(۳)</sup>

نیز حتی بقول اهل سنت به اعراض کنندگان از ولایت آن

---

۱- سوره جمعه / آیه ۹ - راجع ابواب الجنات فی آداب الجمععات تألیف آیه الله

سید محمد تقی موسوی اصفهانی صاحب مکیال المکارم / صفحه ۳۴۱

۲- سوره طه / آیه ۱۲۴ - راجع شواهد التنزیل ج ۱ / صفحه ۳۷۸

۳- سوره جن / آیه ۱۶ راجع شواهد التنزیل ج ۲ / صفحه ۲۹۰

امام زمان نشاط بخش روزگاران ..... ﴿ ۶۵ ﴾

جناب توجه می دهد .

امام همچون سوره توحید ؛ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ؛ شناسنامه خداوند است ، هر که او را بشناسد به شناخت خداوند راه پیدا می کند ، او در بین مخلوق احد و یگانه است ، در فضائل انسانی و کمالات نفسانی دوّمی ندارد و بی نیاز از قدرت انس و جان و غیرهما ، هیچ کس نمی تواند در حکومت وی شرکت و در ولایت او همتائی کند . رسول اکرم ﴿ ﷺ ﴾ فرمود : مثل علی بن ابی طالب ﴿ ﷺ ﴾ در این امت مثل قل هو الله احد در قرآن است . (۱)

امام نور است که در آیه شریفه:

«فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا...» (۲)

دستور اعتقاد به ولایت او آمده است .

پیامبر اکرم ﴿ ﷺ ﴾ فرمود : نور (ولایت) از خداوند متعال ، اوّل در وجود من و سپس در علی ﴿ ﷺ ﴾ و سپس در نسل او تا

---

۱- سوره الاخلاص شرح حدیث تمثیل - بقلم محقق بزرگ مرحوم میرداماد که

حقیر آن را بنام سوره توحید و علی ﴿ ﷺ ﴾ ترجمه نموده ام . / صفحه ۳۶

۲- سوره تغابن / آیه ۸

امام زمان نشاط بخش روزگاران ..... ﴿ ۶۶ ﴾

قائم‌المهدی (عجل الله فرجه الشریف) قرار گرفته است. (۱) خداوند متعال در آیه شریفه ۱۵۷ - سوره اعراف « سَمَتَ نَورِ مُنْزَلِ رَابِه امام داده است و مؤمنان و تعظیم کنندگان و ناصرین رسالت محمدی ﴿ ﷺ ﴾ و پیروان ولایت علوی ﴿ ﷑ ﴾ را رستگاران شمرده است. (۲)

### صراط

حقیقت پل بزرگی که روی جهنم است و همگان باید از آن عبور کنند، چه می‌باشد؟ آیا شما از آن خبر دارید؟ شما را بخدا فکر بکنید، بعضی مانند برق جهنده از روی آن عبور می‌کنند و به سعادت می‌رسند.

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ

بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ...» (۳)

و بعضی در اثر سختی راه و نداشتن نور به دست و پا زدن و کمک خواهی مبتلا می‌شوند.

۱- اهل البيت في القرآن صفحه ۳۵۳ / بنقل از ينابيع المودة شيخ سليمان حنفي

۲- راجع تفسير صافي جلد ۲ / صفحه ۲۴۳

۳- سورة حديد / آية ۱۲

امام زمان نشاط بخش روزگاران ..... ﴿ ۶۷ ﴾

اینها کیانند؟ منافقون و منافقات؟ می‌گویند ما به ناداری گرفتاریم، ناداری نور ولایت، ما در دنیا با علی و اولاد طاهرین او ﴿علیه السلام﴾ بیگانه بودیم منافقانه عمل می‌کردیم، به عاملین تهاجم فرهنگی (استعمار شرق و غرب) کمک می‌نمودیم، ناصرین حضرت حجّت (عجل الله فرجه الشریف) و مدافعین حریم ولایت را می‌شکستیم، حالا قیامت شده و ما بیچاره گشته‌ایم، برای حرکت روی صراط نور می‌خواهیم، شما که مؤمن هستید و نور ولایت دارید بما نظر کنید تا از نور شما استفاده نموده، صراط را طی کنیم.

پاسخ داده می‌شود

به دنیا برگردید و از آنجا نور بیاورید:

«قَبِيلَ اَزْجِعُوا وَزَاثِكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا»<sup>(۱)</sup>

ما این نور را از دنیا آورده‌ایم، در متجر اولیاء، تجارت‌خانه مقررین، ما کمک کار ولایت و از اعوان و انصار امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) بودیم، با انحراف مخالفان قرآن و عترت ﴿علیه السلام﴾ مقابله می‌نمودیم.

امام زمان نشاط بخش روزگاران ..... ﴿ ۶۸ ﴾

پس شناخت امام و دوستی او نور است که باعث حرکت سریع مؤمنین و ناصرین دین بر روی صراط می‌گردد.

حاکم حسکانی حنفی نقل کرده :

پیامبر اسلام ﴿ ﷺ ﴾ فرمودند :

«نورانی‌ترین شما در قیامت شیفته‌ترین شما نسبت به آل

محمد ﴿ ﷺ ﴾ است.» (۱)

در مورد آیه شریفه *إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ*؛ مفسرین شیعه و

بسیاری از علماء اهل سنت با استفاده از روایات بیان داشته‌اند

که صراط مستقیم، طریق و راه آل محمد ﴿ ﷺ ﴾ می‌باشد. (۲)

امام صادق ﴿ ﷺ ﴾ فرمود: صراط، دو صراط است؛ صراط

دنیا که آن معرفت امام و حجت خداست، کسی که امام را

بشناسد و از او پیروی کند از صراط آخرت می‌گذرد، و کسی

که او را نشناسد، قدمش می‌لغزد و به آتش می‌افتد. (۳)

راستی آیا آیه :

---

۱- شواهد التنزیل جلد ۲ / صفحه ۲۲۷

۲- شواهد التنزیل جلد ۱ / صفحه ۵۷

۳- معانی الاخبار / صفحه ۳۲



امام زمان نشاط بخش روزگاران ..... ﴿ ۶۹ ﴾

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ

مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ ... » (۱)

را خوانده‌اید و تدبّر کرده‌اید ؟

شواهد التنزیل که مصنفش سنی است درباره نور در این آیه

از قول ابن عباس و جابر چه گفته است ؟

برای شما خلاصه می‌گویم ، نوری که باعث حرکت انسان بر

روی صراط می‌شود نور اعتقاد به ولایت علی علیه السلام است. (۲)

و همگان باید در راه کسب این نور بیش از پیش بکوشیم

بعضی خفاش صفت از نور ولایت گریزانند و از بیان آیه نور و

منطق نوریان کراحت دارند ، چون دزد عقیده‌اند از چراغ

می‌ترسند و با مصاییح هدایت می‌ستیزند . برای همین

قرآن می‌فرماید :

« ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ ... » (۳)

امام باقر علیه السلام در توضیح این آیه ارشاد می‌کنند : (یعنی از

آنچه در بیان عظمت نور ولایت علی علیه السلام نازل شده ،

کراحت دارند). (۴)

۲- شواهد التنزیل جلد ۲ / صفحه ۲۲۷

۱- سوره حدید / آیه ۲۸

۴- مجمع البیان جلد ۶ / صفحه ۱۶۴

۳- سوره محمد / آیه ۹

امام زمان نشاط بخش روزگاران ..... ﴿ ۷۰ ﴾

از همه محروم تر خفاش بود

کو عدوی آفتاب فاش بود

روز خفاشک نمی تاند پرید

شب در آید همچو دزدان عنید

نیست خفاشک عدوی آفتاب

او عدوی خویش آمد در حجاب

اشاره کردم که خفاشان از آیه نور کراحت دارند، مگر آیه نور

مبین چه مطلبی می باشد؟

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: در مسجد کوفه وارد شدم،

علی علیه السلام را متبسم یافتم. عَلت تبسم شما چیست؟ فرمود:

عجب دارم از کسی که این آیه را می خواند اما حق معرفت آن

را ندارد.

یا امیرالمؤمنین کدام آیه رامی فرمائید؟ فرمود: قول خدای

متعال «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...»؛ «مشکوة» محمد است

، «مصباح» من هستم، «زجاجه» (اول) حسن علیه السلام است،

«زجاجه» (دوم) حسین علیه السلام است، «کوکب درّی»، علی بن

حسین علیه السلام، «یوقد من شجرة مباركة»؛

امام زمان نشاط بخش روزگاران ..... ﴿ ۷۱ ﴾

محمد بن علی علیه السلام ، «زیتونه» ؛ جعفر بن محمد علیه السلام ،  
«لا شرقیه» ؛ موسی بن جعفر علیه السلام ، «لا غریبه» ؛ علی بن  
موسی علیه السلام ، «یکاد زیتها یضیء» ؛ محمد بن علی علیه السلام ،  
«لو تمسسه نار» ؛ علی بن محمد علیه السلام ، «نور علی نور» ؛  
حسن بن علی علیه السلام «یهدی الله لنوره من یشاء» ؛ «القائم  
المهدی (عجل الله فرجه الشریف)» می باشد. (۱)

در هر حال به آقای مستمع « اشکال کننده به بحث درباره  
ولایت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) » گفتم و به همه اشکال  
کنندگان و سنگ اندازان می گویم ، چرا سیری در سوره بزرگ  
«عصر» نمی کنید و تدبیری حکیمانه نمی نمائید تا علت  
انحطاط مسلمین را دریابید؟

خداوند می فرماید :

«قسم به عصاره هستی ، خلاصه وجود ، انسان کامل ،  
حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) که انسان در خسران و  
زیانکاری است»

چرا چنین است ؟ چون او با امام زمانشان فاصله گرفته ، از

امام زمان نشاط بخش روزگاران ..... ﴿ ۷۲ ﴾

ذکر پروردگار و صراط مستقیم « ولایت اهل البیت »  
اعراض نموده است.

مگر نمی گوئید با وجود قرآن و قوانین درخشان اسلام باید  
مسلمین رستگار می شدند و در طول تاریخ از نظر علمی و  
عملی بر بیگانگان شرق و غرب سبقت و پیشی می گرفتند .

ولی چرا ؟

ولی چرا سمت استادی به دست دیگران افتاده و بیگانه با  
همه مفاسدش به جامعه اسلامی از نظر دانش مباهات می کند و  
عزت اولیّه مسلمین از دست رفته، سربلندی با آنان خدا حافظی  
کرده است ؟

می گویم مروری محققانه بر تاریخ داشته باشید ، ببینید  
جامعه اسلامی از بعد وفات پیامبر اسلام « ﷺ » تا امروز با  
علت فلاح و رستگاری اهل البیت « ﷺ » چه کردند و چگونه

«أَدْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً» (۱)

«و رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۲)

۱- سوره بقره / آیه ۲۰۸ - سلم ولایت است - ینابیع المودة جلد ۱ / صفحه ۳۳

۲- سوره مائده / آیه ۳

را نادیده گرفته ، تابلوی دانشگاه

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ» (۱) را شکستند ؟

راستی آیا به آیه شریفه :

﴿ وَ أَدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالاً ۙ ﴾ (۲)

فکر کرده‌اید ؟

می‌فرماید : مردم را به حج دعوت کن تا مردم پیش تو آیند.

کسی که حج می‌رود و مناسک را انجام می‌دهد ، باید دلش و

روحش پیش امام و حجت حق باشد .

طواف و سعی و ... همه درست ، اما روح این برنامه‌ها و

شرط قبولیش توجه به ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) و قطب

عالم هستی است .

در حدیث امام باقر (علیه السلام) است که فرمود :

«إِثْمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ»

یعنی : تکمیل حج آن است که انسان امام را ملاقات نماید . (۳)

۱- سورة آل عمران / آیه ۱۰۳ ؛ حبل الله حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام) است ؛

ینابیع المودة جلد ۱ / صفحه ۱۳۹ ۲- سورة حج / آیه ۲۷

۳- وسائل الشیعه جلد ۱۴ / صفحه ۳۲۵

امام زمان نشاط بخش روزگاران ..... ﴿ ۷۴ ﴾

کسی که در دانشگاه تربیتی حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) نامنویسی کند، دل و جانش پیشگاه امام عصر (عجل الله فرجه الشریف) باشد و روحش بر کعبه وجود او طواف نماید، نماز و طوافش قبول و به فلاح و رستگاری می‌رسد «مَنْ أَتَاكُمْ نَجِيٌّ» و کسی که اعراض از او (که ذکر رب و صراط مستقیم است) بنماید و با ولایتش پرورش دل و جان ندهد، باید با شقاوت و بدبختی دست و پنجه نرم نموده، فردا پاسخگوی «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ»<sup>(۱)</sup> باشد.

کعبه آن سنگ نشانی است که ره گم نشود

حاجی احرام دگر بند بین یار کجاست

امروز مسلمین باید با نور قرآن و ولی انس و جان، حجت یگانه دوران، امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) روح خود را پرورش داده، عوض پناه بردن به روشهای طاغوتی و سر سپردن به قطب های دروغین پناه به



امام زمان نشاط بخش روزگاران ..... ﴿ ۷۵ ﴾

«مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»<sup>(۱)</sup> و صاحب ضیاء و نور، آقای منتظران  
ظهور ببرند.

تو گفتی چرا مسلمین به انحطاط کشیده شده، با عزت و

عظمت خدا حافظی کرده اند؟

می گویم چون گویندگان توحید با وارث ابوتراب «پدر

خاک»<sup>(۲)</sup> مبدأ برکات «الْأَرْضِ الْبَسِيطَةِ»<sup>(۳)</sup> خدا حافظی کرده،

«فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ»<sup>(۴)</sup> را بفرا موشی سپردند.

توقع دارید کسانی که مشکاة را بخاطر مصباح جسارت

---

۱- سورة رعد / آیه ۴۳؛ مقصد، حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) می باشد. شواهد التنزیل جلد ۱ / صفحه ۳۰۷ از پیامبر اسلام ﷺ نقل می کند که (من عنده علم الكتاب) حضرت علی بن ابی طالب ﷺ می باشند.

۲- اشاره به مقام امیرالمؤمنین ﷺ که صاحب زمین و حجت خدا بر اهل زمین است راجع معانی الاخبار / صفحه ۱۲۰

۳- تعبیر حضرت امام رضا ﷺ در مورد امام؛ راجع اصول کافی جلد ۲ / صفحه ۲۰۰

۴- همانطور که در معنی آیه شریفه «فاسعوا الی ذکر الله» گفته شد ذکر الله علی ﷺ است؛ فانتشروا فی الارض نیز اشاره به اوصیاء آنحضرت است.

## امام زمان نشاط بخش روزگاران ..... ﴿ ۷۶ ﴾

کردند و از بحرین<sup>(۱)</sup> فاصله گرفته، ماء معین<sup>(۲)</sup> و بئر معطله<sup>(۳)</sup> یعنی حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) را ترک گفتند به سعادت برسند؟ انتظار دارید قدر ناشناسان لؤلؤ و مرجان (حسن و حسین) و وارث آن دو بزرگوار «امام زمان (عجل الله فرجه الشریف)» کسانی که

«وَقِفُّهُمْ أَنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»<sup>(۴)</sup>

را نادیده گرفته ، کمک کننده جمعیت

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ»<sup>(۵)</sup>

شدند به خوشبختی نائل گردند؟

خواهانید ، کسانی که «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»<sup>(۶)</sup> را از سر فصل

کتاب حیاتشان حذف کرده ، و «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»<sup>(۷)</sup> را خط

---

۱- مشکاة : رسول الله ﷺ ، مصباح : علی ﷑ ، و بحرین : فاطمه و

علی ﷑ هستند ؛ راجع تفسیر برهان جلد ۳ / صفحه ۱۳۶ و شواهد التنزیل

جلد ۱ / صفحه ۲۰۸

۲- سوره ملک / آیه ۳۰

۳- سوره طه / آیه ۱۲۴

۴- سوره حج / آیه ۴۵

۵- سوره توبه / آیه ۱۱۹

۶- سوره صف / آیه ۸

۷- سوره رعد / آیه ۷

بطلان کشیده، به مبارزه با جزء اخیر از علت تامه سعادت،

یعنی ولایت، برخاسته‌اند به رستگاری دست یابند؟

و چرا خود شما هم با اینان رفیق راه گشته، اعوان و انصار

امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) را زمان غربت قرآن و دین، تنها و

غریب می‌گذارید؟

شما در مورد مسافرت از شهری به شهر دیگر بدنبال دلیل،

راه‌نما و راننده می‌گردید، راننده‌ای که هوشیار و رهشناس

باشد، چرا در مورد سفر به سوی خدا و سیر الی الله از راه‌نمای

معصوم ﴿عجل الله﴾ گریزانید؟

راستی، رانندگی فکرتان را به چه کسی می‌دهید؟ حیات

طیبه را از که می‌جوئید؟ سعادت را از چه کسی طالب هستید؟

علم و نورانیت را از کدام کلاس برداشت می‌کنید؟ آیا شما

«فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»<sup>(۱)</sup> را خوانده‌اید؟

چه می‌گوییم؟ علم و نورانیت، مگر مخالفین ولایت امام

زمان (عجل الله فرجه الشریف) علم و نورانیت دارند مگر

خفاش صفتان و روباه پیشگان از الفبای سعادت و خوشبختی  
با خبرند؟

فاقد شیء که نمی تواند معطی شیء باشد.

آین تذهبون ، کجامی روید ؟ علم و نورانیت اینجاست ،  
کمال و معرفت اینجاست ، فلاح و رستگاری اینجاست  
«إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ...» در شأن حضرت  
مهدی (عجل الله فرجه الشریف) و آباء ایشان است ، رَبِيعَ الْأَنَامِ (بهار  
قلوب مردم) وَ نَضْرَةَ الْأَيَّامِ (نشاط روزگاران) <sup>(۱)</sup> فقط در مورد  
آن وجود مطهر ، صادق است .

آین تذهبون ، کجامی روید ؟ هرزه مگردید ، بیراهه نروید ،  
دستور از غیر مجوئید ، سراغ معارف از بیگانه نگیرید. <sup>(۲)</sup>  
راستی شما محکومیت ها و نمره های صفر در زندگی مادی  
و معنوی را. پای چه کسی می نویسید ؟

۱- زیارت حضرت صاحب الامر (عجل الله فرجه الشریف) مفاتیح الجنان

۲- اشاره به فرمایش حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) به مرحوم آیه الله

میرزا مهدی اصفهانی ﴿ تَوَكَّلْ ﴾ - در ردّ تصوف و انحرافات آنها

انحطاط و عقب گرد مسلمین را بحساب چه گروهی  
واریز می‌کنید؟

اشتباه می‌کنید «اسلام بذات خود ندارد عیبی». حضرت  
ولّی عصر (عجل الله فرجه الشریف) مرشد واقعی خلق و هادی بسوی  
سعادت و خوشبختی می‌باشند، مکتب ولایت الفبای کمال و  
رستگاری را تا آخر برای بشر ترسیم نموده است. علت  
بدبختی‌ها و نابسامانی‌های مسلمین، ابتلاء به زندگی سخت  
و سرانجام افتادن به سقر، اینست که آنان در مسابقه حیات یابی  
و حرکت به سوی بارگاه الهی بدنبال «سابق»<sup>(۱)</sup> برنده شماره  
اول و به تعبیر بهتر، یگانه برنده، حضرت مهدی (عجل الله  
فرجه الشریف) حرکت نکرده، خود را در شمار «مصلین»<sup>(۲)</sup>

---

۱- شرح لمعه جلد ۴ صفحه ۴۲۷ بحث سبق و رمایه - در بحث اسب دوانی  
برنده اول را سابق گویند و برنده دوم را مصلی نامند. در مسابقه ایمان و تقوا،  
حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) برنده اول و سابقند، شیعیان ایشان برنده  
دوم و مصلین میباشند.

۲- پیروان ائمه علیهم السلام راجع نورالثقلین جلد ۵ / صفحه ۴۵۸

امام زمان نشاط بخش روزگاران ..... ﴿ ۸۰ ﴾

برندگان شماره دو قرار نداده ، هوچیگری و هواخواهی ،  
متابعت از ایسم‌های زمانه ، طرفداری از روشنفکرانهای  
دردانه را شعار خود ساختند .

اللَّهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ حَالِنَا بِحُسْنِ خَالِكِ وَ عَجِّلْ لِيَوْمِكَ الْفَرَجَ

بِمِمْ، عَيْن، فَاء، حَائِن صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ



مَشَقَّة

اثر برگزیده (۶)

مهدی ﴿علیه السلام﴾

قطب جهان هستی

﴿ پیرامون معرفت یابی و عوامل شناخت ﴾

﴿ حضرت بقیة الله الاعظم ﴾

«عجل الله تعالی فرجه الشریف»



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

سيما بقیة الله فی الارضین و لعنة الله على اعدائهم اجمعین

حدیث معروفی است که شما هم شاید، آن را حفظ داشته

باشید، پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً<sup>(۱)</sup>

کسی که بدون معرفت و شناخت امام زمانش بمیرد، به مرگ

جاهلیت مرده است.

---

۱ - به کتاب شناخت امام با راه رهائی از مرگ جاهلی رجوع نمائید.

### مطلوب این حدیث

جای سؤال است که منظور از معرفت و شناخت امام زمان چیست؟ و چگونه کسب می شود و بدست می آید؟ آیا شناخت امام، شناسائی نام پدر و مادر و وابستگان ایشان و دانستن تاریخ تولد آن حضرت و محل تولد و مدت زندگانی و محل زندگانی ایشان است؟ یا معنای دیگری دارد؟ البته باید نام پدر و مادر امام و مسائل تاریخی مربوط به ایشان را بدانیم، ولی مطلوب حدیث (من مات...) بالاتر و برتر از این است.

اگر کسی مثلاً تاریخ تولد حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) و محل تولد ایشان را ندانست و مرگ سراغش آمد، آیا مرگش مرگ جاهلیت است؟

در حالی که امام عصر (عجل الله فرجه الشریف) را پیشوای دوازدهم و حجت غائب خدا و ولی دوران و امام زمان می دانسته و به حقانیت ایشان و آباء طاهرین ایشان معتقد بوده و آن بزرگواران را دارای علم و قدرت الهی و خدادادی می شناخته است.

یقیناً این شخص بدلیل ندانستن تاریخ تولد و محل تولد امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) مؤاخذه نمی شود و مرگش مرگ

مهدی (عج) قطب جهان مستی ..... ﴿۸۴﴾

جاهلیت بحساب نمی آید.

زیرا همانطور که گفته شده اولاً: حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) و آباء آن بزرگوار را امام و پیشوای الهی می دانسته و به حقانیتشان معتقد بوده یعنی در حقیقت به ولایت تشریحیه اهلیت ﴿علیهم السلام﴾ ایمان داشته و ثانیاً: آن بزرگواران را دارای علم و قدرت الهی و خدادادی می شناخته و در واقع به ولایت تکوینیه اعتقاد داشته است.

پس مطلوب حدیث مذکور، شناخت مقام، شأن امام، بزرگی و عظمت او، و اعتراف به حقانیت و فضیلت او می باشد.

### راه معرفت یابی

و اما این معرفت چگونه کسب می شود و بدست می آید؟  
همانطور که خودشان فرموده اند:

«فِيهِمْ كُرَائِمُ الْقُرْآنِ»<sup>(۱)</sup>

بهترین مأخذ امام شناسی قرآن کریم است. آیاتی که در مورد عموم ائمه ﴿علیهم السلام﴾ و به خصوص حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) در قرآن داریم کم نیستند.

چرا در مورد امام شناسی به کتاب خالق رجوع نمی‌نمائیم و با مطالعه کتب مخلوق که بعضاً بوی روشن‌فکر مآبی می‌دهد، خود را سرگردان می‌کنیم؟

مأخذ دیگر در شناخت امام، روایات معتبره از رسول گرامی و ائمه معصومین ﴿علیهم‌السلام﴾ است.

وقتی معصوم می‌فرماید: ما چنان و چنین هستیم، علم ما، قدرت ما، مقام و شأن ما اینطور است، با عصمتی که برای او قائلیم، گفتارش برای ما مبنا و مدرک می‌باشد، دیگر نباید منتظر بنشینیم که فلان دانشمند نما این مطلب را قبول دارد یا ندارد. تذکر این نکته لازم است که باید برای فهم آیات قرآنی از روایات معتبره کمک بگیریم و برای تشخیص روایات معتبره از علماء ربّانی و محدّثین ولایی یاری بجوئیم.

البته تنها با مطالعه آیات الولایة، و دقت در احادیث این موضوع، کار به نتیجه نمی‌رسد.

### بر طرف کردن موانع معرفت

کسانی را می‌شناسیم، که حافظ قرآن بوده‌اند، و هنگام نزول

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۶ ﴾

آیات الولاية حضور داشته‌اند و مثلاً خطبه پیامبر اسلام ﴿ ﷺ ﴾ در غدیر خم را شنیده‌اند، اما از معرفت واقعی و شناخت حقیقی، بهره‌ای نبرده‌اند.

چرا؟

چون معرفت و شناخت امام ﴿ ﷺ ﴾ نور است، و این نور از عالم بالا باید به قلب انسان برسد، وقتی مانع سر راهش باشد، چگونه می‌رسد؟

مانع تابش نور خدائی به قلب انسان چیست؟

باید بدانیم صفات رذیله، اخلاق بد، اعمال ناروا، هوا پرستی، مانع این نور می‌باشد.

امام صادق ﴿ ﷺ ﴾ در حدیث عنوان بصری می‌فرماید:

«زمانی که این نور را بنخواهی (یعنی اگر بنخواهی) و در طلبش باشی باید دنبال بندگی واقعی بروی و اهل عمل بشوی و از خداوند متعال هم در خواست نمائی»<sup>(۱)</sup>

معرفت‌یابی، مطالعه آیات و توجه به روایات را می‌طلبد ولی از همه بالاتر قلب لایق و جایگاهی پاکیزه می‌خواهد.

آیا شما آب زلال و پاکیزه را در ظرف کثیف و آلوده  
جای می‌دهید؟

معرفت آب حیات است، آب حیات با قلب آلوده، دل  
تاریک و فرسوده چه مناسبتی دارد؟ این مطلب برای همگان  
بخصوص نسل جوان مفید است که بدانند:

تقوا داشتن و شستن دل و جان با معرفت و شناخت واقعی  
امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) پیوند ناگسستنی دارد.

قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ<sup>(۱)</sup>

یعنی: ای مؤمنان تقوای الهی پیشه کنید، خانه دل را جاروب  
کنید، و با صادقین همراه باشید.

معیت صادقین که آل محمد ﴿ ﷺ ﴾ می‌باشند. (۲)  
یعنی شناخت و معرفتشان، بدست نمی‌آید مگر برای کسانی که

۱ - سورة توبه / آیه ۱۱۹

۲ - مرحوم علامه میر سید احمد علوی داماد مرحوم میر داماد ﴿ ﷺ ﴾ در کتاب  
لطائف غیبیه از قول علماء عامه (اهل سنت) نقل کرده که صادقین در این آیه، منظور  
حضرت علی ﴿ ﷺ ﴾ و یاران اویند. رجوع کنید به صفحه ۴۱۳ کتاب مذکور و صاحب  
ینابیع الموده صفحه ۱۱۹ نقل نموده که صادقین، پیامبر و اهل بیت آن حضرت می‌باشند.

(اتَّقُوا اللَّهَ = تقوای الهی داشته باشید) را رعایت کرده باشند.  
بگذر از قومی که مباحیگری را رواج می دهند و با شعار (برو  
قلبت را صاف کن) نماز و روزه را استهزاء می کنند و با این حال  
خراب، مدعی بالاترین درجه حُبّ و شناخت علی و آل اویند.  
صاف کردن قلب که مقدمه معرفت یابی و بودن با صادقین  
است، عمل به واجبات و ترک محرمات (یعنی تقوی)  
می خواهد، توجه به نماز و روزه و فرائض دینی لازم دارد.  
گاهی با خواندن این آیه به فکر فرو می روم، ما که معیت و  
همراه بودن با حضرت ولیّ عصر (عجل الله فرجه الشریف) را ادعا  
می کنیم، تا چه اندازه به سفارش اوّل «اتَّقُوا اللَّه» عمل کرده ایم؟  
**داستان سید موسی زراآبادی**

حقیر داستان این سید بزرگوار و صاحب کرامت را در کتاب  
(اشک خونین) از کتاب اجساد جاویدان آورده ام و اینجا هم  
نقل می کنم: ایشان در اثر بعضی از ریاضتها به جائی می رسد که  
پرده ها و حجابها از جلو چشمش برداشته می شود، به او گفته  
می شود: اگر می خواهی به مقامات بالاتر برسی، باید ترک اعمال  
ظاهری بنمائی!!



مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۹ ﴾

می فرماید: این اعمال ظاهری با دلایل قطعی و براهین مسلم شرعی به ما ثابت شده است، من هرگز تا زنده‌ام آنها را ترک نخواهم کرد.

گفته شد: در اینصورت همه آنچه که به شما داده شده، از شما سلب خواهد شد.

می فرماید: به جهنم.

در این هنگام حالات شبه عرفانی که برای فریفتن اشخاص ساده اندیش و بی ظرفیت گاهی دست می دهد، از ایشان سلب می گردد.

ایشان می فرماید: «متوجه شدم که شیطان از این اعمال ظاهری ما با آن همه نقصی که دارد، شدیداً در رنج و عذاب است، لذا تصمیم گرفتم که با تمام قدرت به اعمال مستحبی روی بیاورم و در حدّ توان چیزی از مستحبات را ترک نکنم.

از فضل پروردگار در پرتو التزام به شرع مبین، حالاتی به من

دست داد که حالات پیشین در برابر آن ناچیز بود». (۱)

آری همگان بویژه نسل جوان باید خدمت حضرت ولی

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿٩٠﴾

عصر (عجل الله فرجه الشريف) متعهد گردیم، از التزام به شرع مبین و عمل به واجبات دین، دست برنداریم و محرمات الهی را ترک کنیم و بدانیم، پرداختن به گناه و معاصی با توجیحات شیطانی، خواسته استعمارگران و ایادی آنها مانند احزاب سیاسی و ارتدادی باییت و بهائیت می باشد.

### بندگان شایسته

خدای متعال در آیه شریفه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ»<sup>(۱)</sup> به عباد شایسته نظر دارد، و حکومت زمین را حق حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشريف) که مصداق واقعی بنده صالح است، می داند.

آیه بعد از این آیه می فرماید:

«إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ»<sup>(۲)</sup>.

یعنی: درک این معنی که حکومت از آن بندگان شایسته است و رسیدن به این مطلب که در آینده، حاکم علی الاطلاق جهان حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشريف) می باشد، مخصوص گروه عابدین است.

مهدی (عج) قطب جهان مستی ..... ﴿ ۹۱ ﴾

هم امام، بنده شایسته و شایسته‌ترین بندگان است، هم مأمومین قوم عابدین هستند و در مسیر بندگی قدم برمی‌دارند. امیدواریم با بندگی و عبودیت و ترک گناه و معصیت، جزء قوم عابدین گشته، در مسابقه امام شناسی برنده شویم.

### ادب در برابر امام

ادب در برابر حجت خداوند باعث می‌شود، نور معرفت بر قلب انسان بتابد و آدمی به مدرسه عرفان واقعی راه یابد.

آیا داستان حربن یزید ریاحی را خوانده‌اید که در مقابل امام حسین علیه السلام ادب به خرج داد، آنوقت نور معرفت به قلبش تابید.

وقتی مانع حرکت امام حسین علیه السلام شد، حضرت فرمود:

«مادرت به عزایت بنشیند از ما چه می‌خواهی؟»

خرگفت: اگر کسی غیر از شما نام مادرم را می‌برد، متعرض می‌شدم و جواب او را به همان نحو می‌دادم، (یعنی اسم مادرش را می‌بردم) اما در حق مادر تو به غیر از احترام و تعظیم، سخنی نمی‌توانم داشته باشم<sup>(۱)</sup>.

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۹۲ ﴾

یعنی: مادر، شما حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا ﴿علیها السلام﴾ است، من در باره او و شما تقوی زبان را رعایت می‌کنم، ادب را مراعات می‌نمایم، و پاسخ شما را نمی‌گویم. خدا می‌داند، این تقوی چه اندازه جناب خُر را ترقی داد و بالا برد.

معیت روحانی واقعی با امام زمانش پیدا کرد و نور معرفت در اثر کنار رفتن پرده تاریک غرور و خود خواهی به قلبش تابید.

چون کنترل نفس پیدا کرد و جهاد اکبر نمود (لطف)  
«لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»<sup>(۱)</sup> شامل حالش شد و بوسیله نور امام شناسی از مرگ جاهلی نجات یافت.

**تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل**

تو که سر جنگ با امام زمان نداری، و بحمدالله دوست حضرتی، اگر تقوا را فراموش نکنی، و دنبال گناه نروی، و با افراد منحرف ننشینی، اهل نماز و طاعت باشی، چه اندازه در عرفان واقعی امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) و شناخت حقیقی آن حضرت پیش می‌روی.

حزبن یزید ریاحی راه را بر امام بسته بود، ولی نسبت به مادر امام ﴿علیه السلام﴾ ادب به خرج داد و تقوای زیان را رعایت کرد، به کجا رسید ما نمی دانیم، هیچ کس نمی داند به غیر از معصوم، مقام حزبن یزید ﴿علیه السلام﴾ چگونه و چه مقدار بالا رفت؟ فقط می دانیم افتخار دفاع از مقام ولایت امام زمانش را پیدا نمود و بعنوان اولین شهید این راه به خاک و خون کشیده شده و عزیز زهراء ﴿علیه السلام﴾ بغمخواری، سرش را به زانو گرفت پس راه ترقی و تکامل باز است، ما خودمان مانع راه شده ایم، غرور و عجب، گناه و هواپرستی مانع پیشرفت و ترقی ما شده است.

### شرط قبول توحید و رسیدن به کمال

حال که به لزوم امام شناسی واقف شدی و مأخذ این موضوع را قرآن و روایات معتبره دانستی، بدان امام آب حیات برای جامعه بشری است، دریائی است که تشنه کامان معرفت را سیراب می کند و غواصان کمال و هدایت را لؤلؤ و مرجان می بخشد<sup>(۱)</sup>، او حبل الله است، وسیله اتصال خلق به خالق،

۱ - بحرین (حضرت علی و حضرت فاطمه «علیهما السلام») لؤلؤ و مرجان (امام حسن و امام

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۹۴ ﴾

ریسمان نجات از چاه کفر و نفاق که امر اعتصام به او در قرآن<sup>(۱)</sup> آمده است.

صاحب ینابیع المودّة که خود از علماء عامّه است از رسول گرامی ﴿ ﷺ ﴾ نقل کرده که جبل الله حضرت علی ﴿ علیه السلام ﴾ می باشد<sup>(۲)</sup>.

امام مشکوة معرفت و مصباح هدایت است، آیه نور<sup>(۳)</sup> مبین نور بخشی اوست، او مظهر «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>(۴)</sup> است و بقول خودش، «عِيشُ الْعِلْمِ وَ مَوْتُ الْجَهْلِ»<sup>(۵)</sup> هر جا قدم گذارد و سخن براند، قدمش خیر و سخنش زنده کننده دانش و میراننده جهل و نادانی است.

نعمت عظمی در قرآن کریم ولایت و رهبری امام است که «أَثَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي»<sup>(۶)</sup> شاهد آن می باشد.

ولایت امام شرط قبول توحید و نبوت است. یعنی اعتقاد به

---

۱ - سورة آل عمران / آیه ۱۰۳      ۲ - ینابیع المودّة جلد ۱ / صفحه ۱۳۹

۳ - نورالثقلین جلد ۳ / صفحه ۶۰۴      ۴ - سورة نور / آیه ۳۴

۵ - نهج البلاغه فیض الاسلام / صفحه ۸۲۵

۶ - سورة مائده / آیه ۳

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۹۵ ﴾

ولایت امام شرط قبول توحید و نبوت است. یعنی اعتقاد به توحید و نبوت از ما وقتی پذیرفته می‌شود که معتقد به ولایت امام باشیم و دهها دلیل بر این معنا در قرآن و روایات موجود است که «إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»<sup>(۱)</sup> «و بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»<sup>(۲)</sup> نمونه‌ای از آن است.

### علت اصلی انحطاط

با وجود آب حیات و دریای پر از ارزشهای معنوی و علمی که امام ﴿ عَلِيٌّ ﴾ است باید مسلمانان کلیددار و استاد و مربی دانشگاه‌های حیات یابی و تربیتی و علمی جهان در طول تاریخ اسلام می‌شدند، و در فلاح و رستگاری نمونه می‌گشتند و در علم و عمل بر بیگانگان غرب و شرق پیشه می‌گرفتند.

### ولی چرا؟

ولی چرا سمت استادی بدست دیگران افتاده و بیگانه با تمام مفاسدش به مسلمین از نظر علم و دانش فخر و مباهات نموده است؟



مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۹۶ ﴾

پاسخ این سؤال معلوم است، اسلام و مکتب پیشوایان الهی طریق و راه سعادت است، ولی برای کسانی که عمل کننده به دستورات و اوامر قرآن و عترت باشند، نه برای کسانی که به نهی «لا تفرقوا»<sup>(۱)</sup> توجه نکرده در تهاجم فرهنگی و ترویج انحرافات، کمک کار مهاجمین و یاور منحرفین باشند.

مسلمین از دریای بزرگ امامت، دور شدند و از وجود مطهر ائمه **﴿ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ﴾** استفاده نکردند و بقول قرآن (اعراض از ذکر رب نمودند) یعنی «از ولایت ولی الله» سر پیچی کردند، برای همین، به مشکلات مادی و معنوی گرفتار گردیدند.

**وجود مطهر حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف)**

وجود مطهر او مثل آب است که حیاتبخشی دارد

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا»<sup>(۲)</sup>

آب اولاً پاک سازی می کند و ثانیاً حیاتبخشی می نماید، که رابطه پاک سازی و حیاتبخشی برای اهل معنویت معلوم و آشکار است.

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿۹۷﴾

قرآن می فرماید:

«وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا، لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا»<sup>(۱)</sup>

تا پاکسازی و تزکیه قلب در مدرسه تربیتی حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) یعنی مکتب تشیع صورت نپذیرد، حیات طیبه برای طالب کمال میسر نمی گردد.

امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) مُطَهِّرِ قُلُوبِهَاي لایق و محیی دل‌های پاک است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ

إِذَا دُعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»<sup>(۲)</sup>

یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید دعوت خدا و رسول را اجابت کنید، وقتی شما را بسوی چیزی که باعث حیاتتان است دعوت می کند.

مرحوم جدّ ما سید احمد علوی (صهر میرداماد) در کتاب شریف لطائف غیبیه صفحه ۴۲۰ می فرماید: ابن مردویه در کتاب مناقب روایت کرده از رسول الله ﷺ که مقصود، از «دُعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» امامت و ولایت علی بن

ایطالب ﴿طالِبُ الْعِلْمِ﴾ است.

امروز اجابت خداوند متعال و رسول او در قبول ولایت حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) نهفته است، و تزکیه و خود سازی و احیاء قلوب زیر لوای امامت و تحت توجّحات آنحضرت میسر می باشد.

اعراض از ذکر ربّ، که ترک ولایت اهل بیت ﴿طالِبُ الْعِلْمِ﴾ تفسیر شده <sup>(۱)</sup> بدین معناست که برای خودسازی و حیات یابی، عوض تمسّک به قطب واقعی جهان هستی حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) این در و آن در بزنیم و قطبهای کاذب را مربّی خود قرار دهیم.

باید بدانیم دستور ذکر و دعا از غیر اهل الذکر <sup>(۲)</sup> خواستن، و سرانجام بی توجّهی به صاحب ولایت و تقصیر در پیروی آنجناب نمودن معیشت ضنک <sup>(۳)</sup> و کوری در قیامت را دنبال دارد.

۱ - شواهد التنزیل جلد ۱ / صفحه ۳۸۰

۲ - اهل الذکر ائمة اطهار ﴿طالِبُ الْعِلْمِ﴾ می باشند - رجوع کنید به شواهد التنزیل جلد ۱

۳ - اشاره به آیه ۱۲۴ / سوره طه

## مهدی (عج) قطب جهان مستی ..... ﴿ ۹۹ ﴾

در سوره حج (۱) امام ﴿ عَلَیْهِ السَّلَام ﴾ به چاه آب تشبیه شده است، چاه آبی که کسی بدان مراجعه نمی‌کند و تشنه‌ای از آن آب بر نمی‌دارد.

و این دلیل غربت اسلام و صاحب آن است و در سوره ملک حضرتش به آب جاری (ماء معین) تشبیه شده است (۲).

و تشبیه بالاتر، اینست که امام در مَثَل دریاست (۳) دریای کمالات و فضائل، علوم و مناقب، که تشنه کامان معرفت و غَوَاصان فضیلت را سود می‌بخشد.

وجه تشبیه امام به چاه و آب جاری و دریا شاید، به دلیل اختلاف استعدادهای متعلمین و تفاوت کشش فکری و معنوی شاگردان و دوستان اهل بیت ﴿ عَلَیْهِمُ السَّلَام ﴾ باشد.

وجود امام برای غَوَاصان واقعی و مستعدین حقیقی دریا، و برای تشنه کامان (در مراتب پائین‌تر) جویبار و برای تازه واردها چاه آب است.

نسل جوان باید بداند به مقتضای این آیه شریفه:

۲ - آیه ۳۰

۱ - آیه ۴۵

۳ - سوره الرحمن / آیه ۱۹

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿۱۰۰﴾

«إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِ كُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»<sup>(۱)</sup>

هدایت کننده واقعی در این عصر حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) می باشند، باید با پیروی از ایشان و توسل به حضرتش راه را باز یابیم و در طریق نور حرکت نمائیم. باید کتب پیرامون آنحضرت را خوانده و در نشر آثار مربوط به ایشان کوشا باشیم، باید پاسخ شبهات و نکال تراشی مخالفین را داده، نسل جوان را از انحرافات فکری، بازداریم. بر تعداد جلسات دینی و بیان معارف اسلامی، بیفزائیم، و با تشکیل کتابخانه و نوارخانه های مذهبی، جوانان جامعه را از فسادهای اخلاقی و عقیدتی نجات دهیم مهمتر از همه اینها، مجالس دعا برای سلامت و تعجیل فرج حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) تشکیل داده، از بُعد عاطفه و محبت وارد شده با جاذبه «يَا بَنَ الْحَسَنَ وَ أَيْنَ مُعْزَا الْوَلِيَاءِ وَ مُذَلُّ الْأَعْدَاءِ» قلوب را مستعد نموده، در زدودن تاریکیها، و مبارزه با خطوط التقاطی و احزاب سیاسی استعماری متحد شویم.

۱ - سورة رعد / آیه ۷ - یعنی: ای رسول این است و جز این نیست که تو بیم دهنده هستی، و

برای هر قوم هادی و راهنمائی هست.

### ثمره هستی

در حدیث قدسی آمده است: اگر تو نبودی عالم را خلق نمی‌کردم. و ادامه حدیث<sup>(۱)</sup> مجموعاً می‌رساند که نظر خداوند متعال به این خانواده یعنی محمد و آل محمد ﴿علیهم‌السلام﴾ بوده است. فی‌المثل باغبانی را در نظر بگیرید برای رسیدن به میوه چه مقدار زحمت می‌کشد باغ را رسیدگی می‌کند، شخم می‌زند آبیاری می‌کند، آفت زدائی می‌نماید، همه این کارها را برای رسیدن به میوه می‌کند. (البته او از باب احتیاج این کارها را می‌کند)

پس به معنی آن شجر از میوه زاد

گر به صورت از شجر بودش نهاد

گر به صورت من ز آدم زاده‌ام

در حقیقت جد جد افتاده‌ام

کز برای من بدش سجده ملک

وز پی من رفت بر هفتم فلک

پس ز من زائید در معنی پدر

پس زمیوه زاد در معنی شجر

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۰۲ ﴾

همانطور که سعدی هم گفته:

تو اصل وجود آمدی از نخست

دگر هر چه موجود شد فرع تست

با این توضیح مختصر قصد داشتم بگویم وجود مطهر

حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) ثمره هستی و مقصد و

مقصود خداوند متعال است و بقیه موجودات در پرتو ایشان و

طفیل آن حضرت هستی دارند.

همانطور که شاعر در مورد پیامبر اسلام ﴿ ﷺ ﴾ و

امیرالمؤمنین علی ﴿ علیه السلام ﴾ گفته:

هفت آسمان ز نور محمد بیافرید

آنگاه چرخ و انجم و افلاک و ماه و خور

آنگاه آفرید ز نور علی زمین

افلاک و کوهسار و نباتات و بحر و بر

خواندش اباتراب پیمبر از این سبب

کز نور او زمین شد و بُد خاک را پدر

این شاعر اشاره کرده به حدیث منقول که مرحوم شیخ

صدوق در معانی الاخبار آورده است:

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۰۳ ﴾

شخصی به امام صادق ﴿ عَلِيٍّ ﴾ گفت: چرا پیامبر ﴿ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ﴾ به حضرت علی ﴿ عَلِيٍّ ﴾ کنیه ابوتراب داد؟ حضرت فرمود: چون پس از رسول خدا ﴿ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ﴾ علی ﴿ عَلِيٍّ ﴾ صاحب زمین و حجّت خدا بر اهل زمین است و بقا و سکون زمین بستگی به وجود او دارد.

باید بدانیم امروز بعد از پیامبر ﴿ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ﴾ و یازده امام صاحب زمین و حجّت خدا بر اهل زمین و علت مبقیه زمین و عالم هستی وجود مطهر حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) می باشد (جانمان به قربان خاک پای عشاق او باد)

### سؤال در مورد علم امام

شخصی از مطالب جزوهای که به نام حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله فرجه الشریف) و به اصطلاح ویژه ایشان اخیراً چاپ و منتشر شده، سؤال نموده از جمله می گوید:

در جزوه مذکور آمده است: شخصی که می خواهد دنیا را متحوّل سازد و دست به اصلاحی همه جانبه و فراگیر بزند، عدل را بگستراند و ظلم و ستم را در همه اشکال و انواع آن، برچیند، تمدن بشری را که بر اساس زر و زور و تزویر بنا



مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۰۴ ﴾

گردیده ویران سازد و تمدنی همه جانبه و بر اساس ارزشهای الهی و معنوی ایجاد کند، باید دارای عِدّه و عُدّه فراوان باشد، با ابزار مدرن پیشرفته آشنا باشد، فراز و فرود تمدنها را بشناسد و بالأخره، از علل سقوط و صعود ملت‌ها تجربه بیندوزد، تا بتواند حرکتی اساسی و بنیادی را آغاز و رهبری کند و موانع را از سر راه بشر بردارد .

### پاسخ مطلب

پاسخ این مطلب باید بطور جدا و مستقل نوشته و منتشر شود، ولی بطور اختصار در مورد علم و دانش و آگاهی غیبی حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) و آباء گرامی ایشان، و اینکه آنها نیازمند کسب تجربه نبوده و نیستند، مطالبی را می‌نگارم، خدا کند قبول دوست افتد و ما را هم به نگاهی احسان نماید.  
انشاءالله تعالی

آیا غیر خدا علم غیب دارد؟

قرآن می‌فرماید:

«لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ»<sup>(۱)</sup>

و باز می فرماید:

«قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبُ»<sup>(۱)</sup>

این آیات می فرماید: علم غیب ذاتی ، مخصوص خداوند است و کسی این نوع علم و آگاهی را ندارد.

ولی در سوره جن آیه ۲۶ می فرماید:

خداوند عالم به غیب است، هیچکس را بر غیب آگاه نمی کند، مگر رسولی را که برگزیده...

و در جای دیگر می فرماید:

چنان نیست که خداوند شما را از غیب آگاه نماید، ولی از میان رسولان خود هرکس را بخواهد انتخاب می کند<sup>(۲)</sup>. این آیات می فرماید: برگزیدگان خداوند به خواست او می توانند از غیب برخوردار باشند، پس علم غیب خداوند استقلالی است و از خود اوست، ولی علم غیب اولیاء الهی از خداوند و به اراده اوست.

حضرت عیسیٰ علیه السلام می گفت:

خبر می دهم شما را از آنچه می خورید و آنچه در بیوت خود

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۰۶ ﴾

ذخیره می‌نمائید<sup>(۱)</sup>. پس از نظر امکان علم غیب (در رهبران الهی) ما مشکلی نداریم یعنی قرآن اگر نفی علم غیب در غیر خداوند می‌فرماید، نفی علم غیب استقلالی می‌کند، ولی علم غیب خدادادی و بقول ما بخششی، از طرف حقتعالی را نفی نمی‌کند، بلکه در مواردی از این نوع علم غیب که برگزیدگان داشته‌اند، خبر می‌دهد.

از ناحیه وقوع، هم در کتب شیعه و عامه مسئله آشکار و واضح است.

داستان فتح مکه که در آیه ۲۷ سوره فتح آمده است:

«لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ...»

و پیشگوئیهای پیامبر اسلام ﴿ ﷺ ﴾ و امیرالمؤمنین حضرت علی ﴿ علیه السلام ﴾ و اولاد طاهرین ایشان در موارد مختلف، تردیدی برای اهل انصاف باقی نمی‌گذارد. که اولیاء خداوند (پیامبر و ائمه علیهم السلام) «به اذن الله» عالم به غیب و آگاه به اسرار و بواطن بوده‌اند.

اباذر ﴿ علیه السلام ﴾ می‌گوید:

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿۱۰۷﴾

در محضر حضرت علی (علیه السلام) حرکت می نمودیم تا به وادی مورچگان رسیدیم. گفتم بزرگ است خدائی که تعداد این مورچه‌ها را می داند، امام فرمود: اینطور مگو، بلکه بگو بزرگ است خالق آنها، به خدائی که تو را صورت بخشیده، من عدد آنها را می دانم و از نر و ماده آنها (به اذن الله) باخبرم. (۱) باتوجه به این مطلب، امام عصر (عجل الله فرجه الشریف) در هر فصلی از حیات خود برگزیده خداوند است، و عالم به غیب و وظائف خویش، و از علل صعود و سقوط ملت‌ها با خبر است.

در عباراتی که از جزوه مذکور نقل شد، اشکالاتی وجود دارد، اهم آنها این است که به علم غیب امام بی توجهی شده است. می گوید: «امام باید تجربه بیندوزد، امام باید طلوع و غروب تمدن‌ها را دیده و باکوله‌باری از تجربه و شناخت به میدان بیاید.

احاطه امام بر تاکتیک‌ها و روش‌های دنیای بشری لازمه‌اش این است که امام دورانی را طی نماید. امام در دل تاریخ فرو رفته و با آزمودگی و تجربه‌ای که در این مدت طولانی کسب کرده

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿۱۰۸﴾

است توانائی دگرگونی اساسی جهان را خواهد داشت و ...»  
عبارت مقاله نشان میدهد که نویسنده جهت مشهور شدن به  
میدان مشهورات اعتقادی و تاریخی قدم نهاده قلم را به عبارت  
پردازیه‌ها ساخته و گاه از کتب روشنفکرانهای گذشته یاری  
طلبیده کلمات (زر و زور و تزویر) را در مقاله‌اش بکار  
برده است.

قضاوت نویسنده مقاله در مورد نیازمندی امام زمان (عجل‌الله  
فرجه‌الشریف) به تجربه و علم کسبی قضاوت جاهلانه و غیر منطقی  
می‌باشد قرآن کریم<sup>(۱)</sup>، بلوغ کامل عقل را ورود به سنّ چهل  
سالگی می‌داند و این نظر در مورد انسانهای غیر منتخب و افراد  
عادی است، در صورتی که حضرت ولی عصر (عجل‌الله فرجه‌الشریف)  
انسان منتخب و برگزیده خداوند و خلیفه الله و بقیّة الله است و  
از سنّ شریفش نیز اربعینها می‌گذرد.

براساس مطالب بی اساس نویسنده که امام و رهبر الهی را  
نیازمند طول عمر جهت تجربه اندوزی می‌داند، نبوت و  
رهبری حضرت یحییٰ ﴿علیه السلام﴾ زیر سؤال می‌رود.

قرآن در سوره مریم آیه ۱۲ می فرماید:

«يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»

ای یحیی کتاب را با قوت بگیر و ما فرمان نبوت، در کودکی به او دادیم.

از آقای نویسنده سؤال می کنیم، کودکی که علم و تجربه نداشت چگونه پیامبر خدا و هادی خلق گردید؟  
آیا غیر از این است که مفتخر به علم الهی و برخوردار به دانش خدائی شده بود؟

در مورد رهبری حضرت عیسی چه می گوئید؟

مردم به مادر عیسی بدبین شده بودند، زیرا او بدون داشتن شوهر، فرزندی بنام عیسی آورد «فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ» برای ردّ تهمت، حضرت مریم اشاره به کودک نمود.

از او سؤال کنید !!!

از چه کسی؟

از بچه ای که تازه به دنیا آمده، گفتند: ما چگونه با کودکی که

در مهد است، سخن برانیم؟

مادر می داند، فرزندش رشد فکری الهی دارد و می تواند

پاسخگوی تهمت زندگان باشد، مریم با توجه به قدرت

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۱۰ ﴾

خداوند، قدرت رهبری خلق را در کودکش می‌بیند و نمی‌گوید فرزندم برای راهنمایی مردم، باید عمرش زیاد بشود و تجربه و علم کسب نماید ولی مردم زمانش مثل وهابی زده‌های زمان ما که قبول معجزات و غیبگوئی ائمه ﴿علیهم‌السلام﴾ برایشان مشکل است، می‌گویند، ما چگونه با یک‌دک تازہ به دنیا آمده سخن بگوئیم.

خدای متعال قدرتش را به نمایش گذاشت و حضرت عیسیٰ ﴿علیه‌السلام﴾ را به زبان در آورد.

گفت: من بنده خدا هستم، او به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است. (۱)

آیات بعدی نیز، هدایت مردم و ارشاد خلق است، ارشاد به نماز و زکات و نیکوکاری در حق مادر یعنی، حضرت عیسیٰ ﴿علیه‌السلام﴾ در گهواره ضمن اینکه به وسیله جمله، «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ» درس توحید و بوسیله جمله، «آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا» درس پیامبر شناسی به مردم داد و پاکدامنی

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۱۱ ﴾

مادرش را آشکار ساخت تدریس نماز و زکات و نیکوکاری  
نیز نمود.

آیا عیسی علیه السلام نمی خواست دگرگونی در جامعه اش  
بوجود آورد و مردم را از آلودگی نجات بدهد؟

پس چرا صبر نکرد تا عمرش طویل بشود و علم و تجربه  
کسب نماید؟ گمان می کنم همین مقدار در رد مطالبی که سؤال  
کننده درباره علم غیب از جزوه مذکور مطرح کرده کافی باشد، و  
تفصیل جواب را به خواست خداوند متعال به کتاب دیگری  
موکول می نمائیم.

### هشدار به نسل جوان

نسل جوان بدانند، علم و آگاهی، بیداری و هشیاری،  
نورانیت و بصیرت، فقط در بیت آل پیامبر، ائمه  
معصومین علیهم السلام یافت می شود، و آن بزرگواران در هر  
موقعیتی و در هر سنی که باشند، لایق رهبری خلق می باشند.  
از حدیث:

«سَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ»

که شیعه و عامه<sup>(۱)</sup> نقل کرده اند، این معنا را در می یابیم،



مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۱۲ ﴾

می‌یابیم، که پیامبر اسلام ﴿ ﷺ ﴾ عملاً بما درس داد صاحبخانه‌های دیگر قابل رهبری خلق نیستند، آن کسی که باید مسجد و محلّ عبادت به خانه اش مرتبط باشد و مردم عبادتشان را زیر لوای رهبری او انجام دهند، فقط علی بن ابیطالب و اولاد ایشان ﴿ ﷺ ﴾ است و امروز وارث آنخانه و خانواده، حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) می‌باشند.

### ولایت تکوینیة حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف)

حقیر در کتاب «اشک خونین» که در انکسار تمام مخلوقات در برابر محمد و آل محمد ﴿ ﷺ ﴾ نوشته‌ام، در باره ولایت تکوینی به خواست خداوند بخوبی توضیح داده‌ام.

باید دانست که ولایت حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) و دست تصرف ایشان در عالم مطلقه است، و آن بزرگوار (باذن الله) حاکم علی‌الاطلاق جهان هستی می‌باشند.

همانطور که در باب اثبات علم غیب، برای اولیاء ﴿ ﷺ ﴾ از آیات قرآن استفاده کردیم، برای این موضوع هم آیه ۴۳ سوره آل عمران را می‌آوریم و تفصیل آن را به اشک خونین ارجاع می‌دهیم.

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۱۳ ﴾

... حضرت عیسی ﴿ عَلَیْهِ السَّلَام ﴾ می فرماید:

«وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ

رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ...»<sup>(۱)</sup>

در این آیه شریفه چند قدرت نمائی از قول عیسی ﴿ عَلَیْهِ السَّلَام ﴾

بیان فرموده است که توضیح آن اینست:

۱ - شکل پرنده‌ای را از گل می سازم و سپس در آن می دمم،

پرنده واقعی می گردد باذن الله.

۲ - کور مادر زاد را شفا می دهم.

۳ - مبتلا به برص و پستی را شفا می دهم.

۴ - مردگان را زنده می کنم باذن الله.

۵ - خبر می دهم شما را بآنچه می خورید و به آنچه در

خانه‌های خود ذخیره می کنید.

در مورد حَقَائِیْتِ این آیه که قدرت و توانائی نماینده

خداوند متعال، حضرت عیسی ﴿ عَلَیْهِ السَّلَام ﴾ را از قول خودش بیان

می نماید آیا مسلمانی می تواند شک کند؟

این آیه، هم ردّ بر منکرین معجزات اولیاء خداست و افکار

وهابی زده را محکوم می‌کند و هم ردّ طبقه غالی است و اندیشه‌های صوفی زده را مردود می‌نماید.

توضیح اینکه ضمن بیان عیسی ﴿علیه السلام﴾ که من چنان و چنین می‌کنم، می‌بینید کلمه (باذن الله) دو مرتبه آمده است، پس نمایندگان خداوند قدرت و توانائی و به تعبیر بهتر معجزه دارند ولی باذن خداوند متعال، پس وهابگیری و مخالفت با ولایت اولیاء از یک طرف و عیسی الهی و علی الهی و سوء استفاده از ولایت معصومان از طرف دیگر، محکوم می‌گردد.

امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) که از نظر مقام و رتبه از حضرت عیسی ﴿علیه السلام﴾ بالاترند احاطه و علم، ولایت و حکومتشان باذن الله می‌باشد، آن بزرگوار عبدالله و مخلوق خداوند هستند، ولی در عالم هستی بعنوان عضد و ید خداوند کار گشائی و قدرت نمائی می‌کنند. (۱)

و اعتقاد به چنین مطلبی اضافه بر اینکه شرک نیست شرط توحید است و اگر نباشد مشروط که توحید است حاصل نمی‌شود. (۲)

۱ - رجوع کنید به دعای رجب، توفیق شریف

۲ - بشروطها و انا من شروطها - فرمایش امام رضا ﴿علیه السلام﴾ ثواب الاعمال

## نکته

در قسمت آخر آیه‌ای که در معجزه حضرت عیسی ﴿علیه السلام﴾ بیان گردیده می‌فرماید:

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»

این قدرت نمائی و معجزات، نشانه‌ای بر صدق گفتار من است اگر مؤمن باشید.  
خواهید گفت:

مؤمن به چه کسی؟ پاسخ اینست:

مؤمن بخدا و قدرت و حکومت او یعنی اگر بخدای متعال و توانائی بی نهایتش مؤمن باشید، این قدرت نمائی و معجزات ارتباط مرا با او بازگو می‌کند و می‌فهمید چون من پیامبر خدای قادر هستم، توانائی بر کارهای این چنینی دارم.

پس نتیجه می‌گیریم که برای کسانی که به قدرت خداوند مؤمن باشند، کارهای خارق‌العاده و معجزات پیامبران و ائمه حل شده و بعید بنظر نمی‌آید.

آنهایی که ولایت اولیاء را رد می‌کنند و معجزات و قدرت نمائی ائمه ﴿علیهم السلام﴾ را تکذیب می‌نمایند، در کلاس

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۱۶ ﴾

خداشناسی و توحید مردودند و به تعبیر دیگر کسانی که اولیاء دین ﴿ عَلَيْهِ السَّلَامُ ﴾ را به بزرگی نشناسند خدای متعال را به بزرگی نمی‌شناسند.

در مورد بیمارانی که به عنایت ائمه ﴿ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ﴾ و امروز به توجّه حضرت ولیّ عصر (عجل الله فرجه الشریف) شفا یافته و می‌یابند، چرا بعضی توقف می‌کنند و مطلب برایشان قابل درک نمی‌باشد؟

آیا عیب به شفا یافتن بدست ولیّ خداوند برمی‌گردد یا عیب مربوط به اعتقاد ضعیف توقف کننده است مگر شفا بدست خداوند نیست، مگر خداوند قدرت بر شفا دادن مریض ندارد، آیا می‌تواند این قدرت را به ولیّ خودش بدهد، آیا اشکالی دارد، همان که علم غیب را به برگزیده خودش می‌دهد این قدرت را هم به او عنایت کند؟.

ما معتقدیم ولیّ خداوند به اذن خداوند قدرت نمائی می‌کند، خبر از غیب می‌دهد، شفا می‌دهد، مرده زنده می‌کند، و این اعتقاد با توحید منافاتی ندارد، بلکه عدم این اعتقاد مخرب توحید است. در کتاب امراء هستی، مرحوم آیت الله حاج سید

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۱۷ ﴾

ابوالفضل قمی ﴿ قَدِّسَ سَلَامُهُ ﴾ نقل میکند از انوارالبهیة از عمر بن فرج رنجی که به امام جواد ﴿ عَلَیْهِ السَّلَامُ ﴾ گفتم:

شیعیان معتقدند که شما از وزن آب دجله آگاهی دارید؟  
(و این سؤال را در حالی از امام کردم که در کنار فرات نشسته بودیم)

حضرت فرمود: آیا خداوند می تواند این علم را به پشه ای عطا فرماید؟  
گفتم: آری.

فرمود: من از پشه و از اکثر خلق خدا نزد او عزیزترم.  
کسی که منکر علم غیب و معجزات ائمه ﴿ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ ﴾ می شود پایه توحید و اعتقادش به خدا لنگ است، توحید را نفهمیده در ولایت مطلقه ائمه اطهار ﴿ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ ﴾ و دست تصرف آن بزرگواران در عالم تکوین به بحث می نشیند و کتاب می نویسد، و افراد تازه وارد و غیر مطلع را به انحراف می کشاند.

ما معتقدیم امام ﴿ عَلَیْهِ السَّلَامُ ﴾ همانطور که می تواند امراض جسمانی را به اذن خدا شفا دهد، امراض و کمبودهای روحانی و فکری را نیز شفا می دهد.

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿۱۱۸﴾

زازان که صدای خوشی داشت و به شعر خوانی می پرداخت  
و با قرآن بیگانه بود، با یک نظر ولی خدا امیرالمؤمنین ﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾  
حافظ کل قرآن شد. (۱)

داستان توجه امام عصر (عجل الله فرجه الشریف) به کربلائی کاظم  
ساروقی معروف بین اساتید و بزرگان حوزه علمیه قم است.  
پدر و مربی عزیزم آیت... بحر العلوم میردامادی ﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾  
فرمودند: من او را در مدرسه فیضیه ملاقات نمودم، او به عنایت  
امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) دفعتم حافظ قرآن شده بود با اینکه  
سابقه قرآن خواندن و سواد داشتن نداشت.

### هدایت یافتگان

عنوان (هدایت یافتگان) به عنایت حضرت ولی عصر (عجل الله  
فرجه الشریف) هم باید در آینده مورد توجه مؤلفان و محققانی که  
در راه حضرت به خدمت مشغول می باشند، قرار بگیرد.  
اعتقاد ما این است که همه فیوضات، بخصوص فیض  
هدایت و راهیابی به عنایت آن وجود مطهر که مطهر دلهای  
لایق است، به مردم می رسد.

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۱۹ ﴾

کما اینکه در معنی حدیث و توقیع حضرت که مردم صنایع ما هستند، گفته شده یعنی ما مُرَبِّی مردم و مردم مرَبِّی و پرورش یافته ما می باشند.

مکتبهای دیگر چه دارند، مرادهای غیر معصوم چه می گویند؟

کور که نمی تواند عصا کش کور دیگر شود، کسی که خودش را نساخته و به جمع مرید می پردازد و دعاوی باطل و بیهوده می کند، تا می رسد به دعوی باییت و... آیا می تواند من و تو را به سر منزل مقصود برساند؟

نسل جوان مواظب باشند، طلاب و دانشجویان دقت کنند، کسی که در مقام است، خطی مقابل اهل بیت ﴿ عَلَيْهِمُ السَّلَام ﴾ باز کند و کلاسی مقابل دین بگشاید و برای این ادعای رؤیت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) و مشاهده آنحضرت را می کند، و خود را با آن بزرگوار، مرتبط می داند، قابل پیروی و احترام و تعظیم نیست، بلکه گفته اند او را تکذیب نمایند.<sup>(۱)</sup>

توقیع شریف که هر کس ادعای رؤیت کند، پیش از خروج



مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۲۰ ﴾

سفیانی، او را تکذیب کنید، به جهت بستن دگان دکانداران و مدعیان به نیابت خاصه، می باشد.

و الا اگر کسی خدمت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) در خواب یا در بیداری رسیده باشد (کما اینکه عده‌ای از علمای بزرگ و بندگان شایسته مشرف به خدمت آنجناب شده‌اند و داستان تشریفشان را محدثین عالیقدری مثل علامه مجلسی و حاجی نوری و نهاوندی ﴿ عجل الله فرجه الشریف ﴾ نقل کرده‌اند) و ادعای نیابت و مقامی برای خود نکند، مقدمه چینی برای جمع مرید و درهم و دینار ننماید، برای چه او را تکذیب نمایند.

مگر بارگاه لطف امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) بسته است و مگر در وجود مطهر او (نعوذ بالله) بخل راه دارد و این مطلب را که سید صاحب کرامات، عالم با فضیلت مرحوم آیت الله طباطبائی ابرقوئی ﴿ عجل الله فرجه الشریف ﴾ در کتاب ارزنده و شریف، ولایت المتقین صفحه ۱۸۲ بیان فرموده است به عنوان آگاهی بیشتر خوانندگان عزیز نقل می کنیم:

**نظریه آیت الله طباطبائی ﴿ عجل الله فرجه الشریف ﴾ در مورد مدعی رؤیت**

چون در زمان غیبت صغری اختلاف عظیمی در میان شیعه

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۲۱ ﴾

افتاد که تقریباً در مذهب بیست فرقه گردیدند که فتنه بزرگی به پا شده بود.

چنانچه در جلد ۱۳ بحار و سایر کتب غیبت شرحی دارد. غرض که در همان زمان مذهب باب طلوع کرد که چند نفری دعوی نمودند که ما خدمت امام ﴿علیه السلام﴾ می‌رسیم و ما باب منزل غیبیه آنحضرتیم.

و باید ارجاع احکام دین و اموال و وجوهات به ما بشود و بدست ما برسد. با آنکه سفرای عظام هم در این مدت بودند، معذک بر بعض از عوام شیعه امر مشتبه شده بود تا آنکه از ناحیه حضرت صاحب (عجل الله فرجه الشریف) لعن آنها صادر گردید.

و این کرشمه تا بعد از زمان غیبت صغری هم بود که خَلَفَاءُ عن سلف دعوی نیابت خاصه و ادعای رؤیت می نمودند. و کم کم کار به دعوی مهدویت نوعیه و رکن رابع کشید تا زماننا هذا که این ترهات و خرافات باقی است.

غرض که گمان نویسنده این است که به جهت جلوگیری از این دعاوی باطله و دگان شیاطین مجسمه حضرت

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۲۲ ﴾

صاحب الامر (عجل الله فرجه الشریف) نوشتند از برای سَمَری که سفیر چهارمی بود، که دیگر نایبی برای خود نصب نکن که درب بسته شده و هر کس بعد از این ادّعیای رؤیت نماید او را تکذیب نماید.

این تقریب توقیع بود و الاً توقیع مبارک فی الجملة مفصل است و شاهد مدعی که حضرت ﴿علیه السلام﴾ به لفظ ادّعا تعبیر فرموده که «من ادّعی الرؤیه» بوده باشد.

یعنی کسی که ادعا نمود که من خدمت امام ﴿علیه السلام﴾ می‌رسم او را تکذیب کنید که خود این ادعا دلالت بر کذبش می‌نماید. زیرا که اگر خدمت امام ﴿علیه السلام﴾ می‌رسید و او را مشاهده می‌نمود و اخذ فیوضات می‌کرد، هرگز ادعائی نداشت و اظهار چنین موهبت و سرّی را نمی‌کرد.

پس آن کسانی که خدمت حضرت ﴿علیه السلام﴾ رسیده‌اند، ابدأً ادّعائی نداشته‌اند، بلکه همینقدر می‌گویند که در فلان مرحله یا فلان گرفتاری، شخصی نمایان شد و ما را نجات داد. یا اینکه به ایماء و اشاره می‌رسانند که این دعا و این کلام از ناحیه‌ای به ما رسیده، یا آنکه رفقاء و اصحابش از حالات و حرکات و

## مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۲۳ ﴾

کلماتش گمان می‌برند که او خدمت حضرت رسیده و به التماس و قسم زیاد او را وادار می‌نمایند که قضیه را بگوید.

چنانچه حاجی نوری «نورالله مرقده» با جمعی از خوبان خدمت حاج علی بغدادی ﴿عجله﴾ رسیدند و به التماس او را وادار نمودند که حکایت خود را تماماً بیان نماید.

و هَكَذَا و هَكَذَا و هَكَذَا.

پس اگر غیر از این معنای مزبور معنایی برای این روایت گفته شود، پس روایت بر خلاف حس و قطع و یقین است. و این نتیجه خلاف است. پس معنای مزبور، حق و موافق است. مثلاً کسی که در کمال ورع و تقوا بوده باشد و از هر جهتی آراسته و از دنیا وارسته شب و روز به زهدات و عبادت بسر می‌برد و سی سال است مثلاً با تو رفاقت و معاشرت دارد. و تو هرگز از او معصیتی ندیده و دروغی نشنیده‌ای و خلافتی از او مشاهده ننموده‌ای، بعد از سفر زیارت به دیدن او بروی و او از روی اخوت و شفقت و مهربانی به تو مژده دهد که در فلان موقع در مسجد سهله تنها بودم که در نصف شب دیدم مسجد روشن گردید. پس بسوی روشنی شتافتم تا آنکه رسیدم به آنجا

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۲۴ ﴾

که مقام حضرت صاحب (عجل الله فرجه الشریف) است. دیدم که آنحضرت در محراب عبادت است. پس هیبت و جلال آنحضرت مانع شد که پیش روم که ناگاه خود حضرت فرمودند: یا فلان. عرض کردم: لَبَّيْكَ يَا أَبَا انت و امّی.

فرمودند: پیش آی، پیش رفتم. پس آنحضرت لطف و دلجوئی نسبت به حقیر نمودند و مطالبی به من فرمودند: احوالپرسی هم از تو نمودند. و فرمودند: به فلان بگو که فلان کار را ترک نما. و یکی یکی اسرار نهانی ترا از جانب حضرت بگویند. و علوم و حکمتی که حضرت به او تعلیم نمودند به تو نشان و نمایش دهد. و تو هم او را خوب می شناسی که در این خبر هیچ غرض و ادعائی ندارد. و به احدی هم نگفته و نمی گوید جز به تو که امین و متقی می باشی و هم حقّ اخوّت داشتی. و تو مسلّم با این مقدمات مزبوره قطع و یقین صادق بقولش پیدا می کنی که خدمت آنحضرت رسیده است. پس بعد از آنکه یقین کردی آیا به حدیث عمل می نمائی و او را تکذیب می کنی؟ حاشا و کلاً مگر دیوانه و بی هوش باشی.

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۲۵ ﴾

مگر حدیث شریف و کلام حکیم می‌گوید که منکر  
آفتاب شوید؟

یا آنکه تکذیب روشنی روز و تاریکی شب را ننمائید.  
حاشا و کلاً.

پس واقعاً تعجب است از بعضی که از بی تأملی و بی فکری  
خود را از فیض و سعادت محروم ساخته‌اند که سیری در کتب  
غیبت که علمای اعلام مثل مرحوم علامه مجلسی رحمته الله و  
مرحوم حاجی نوری رحمته الله و سابقین و لاحقین آنها نوشته‌اند  
نمی‌نمایند که هر مرده‌ای را حیات و هر سست عقیده‌ای را  
ثبات و هر خوابی را بیدار و هر مستی را هوشیار می‌نمایند.  
پس چنین آدمی با چنین عقیده‌ای لابد هیچ وقت در فکر و  
خیال دیدن امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) هم نمی‌باشد چه رسد به  
آنکه خود را مجهز و آماده و پاک و پاکیزه نماید برای شرفیابی  
حضور مبارک.

یعنی پاره‌ای از اعمال و عبادات و ریاضات مخصوصه را  
بجا آورد، چنانچه مجرب است، تا آنکه خدمت امام برسد.

گمان نمی‌کنم که همچو آدمی هیچوقت خواب امام علیه السلام

را هم ببیند. بلکه گمان نمی‌کنم که مایل هم باشد. (۱)

### هدایت یابی خطیب عراقی

یکی از هدایت یافتگان اخیر آقای شیخ عبدالرحمن العلی (عراقی) است.

او سنی شافعی بود و در اثر بعض تبلیغات وهابیت، با شیعه و مکتب تشیع، مخالفت و ضدیت داشت. نامبرده در تاریخ ۷۵/۱/۱۷ بوسیله عده‌ای از دوستان به مدرسه و کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) آمد و اینجانب در محیطی که به استغاثه به حضرت صاحب الزمان (عجل الله فرجه الشریف) و ذکر شریف (یا بن الحسن) و توسل به امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) متبرک شده است، با او بحث نمودم و این همان محیطی است که آقای مهندس بودائی سومیاکی (روح الله) و اهل ژاپن بعد از دو سه روز مباحثه در تاریخ ۷۴/۸/۲۵ در برابر اسلام سر فرود آورد و به برکت عنایت حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) به گروه هدایت یافته و فرقه ناجیه پیوست.

نتیجهٔ مباحثات ما با آقای شیخ عبدالرحمن العلی، این شد، که بعنایت حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) ایشان از گذشتهٔ خویش نادم شده با تمام وجود و از روی صمیم قلب مکتب اهل بیت **﴿ علیهم السلام ﴾** را پذیرفت.

احیاء گری امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) تا آنجا رسید که نامبرده جزوهای به نام (موعظتی لكل مسلم) نوشته و مسلمین را به اتحاد زیر لوای امامت اهل بیت **﴿ علیهم السلام ﴾** فرا خوانده است.

این جزوه از طرف هیئت تحریریه مدرسه و کتابخانهٔ تخصصی حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) ترجمه گردید و بنام «گمشده‌ام را یافتم» برای بیداری نسل جوان منتشر شد.

### نمونه‌ای از مباحثات با خطیب عراقی

حدیث «من مات...» که اول این مقاله آوردم، از طریق فریقین شیعه و سنی نقل شده است.

به آقای شیخ عبدالرحمن گفتم:

آیا شما این حدیث را قبول دارید؟

گفت: آری گفتم: آیا شما حدیث «الخلافة بعدی ثلاثون سنة»

را دیده‌اید؟



گفت: این حدیث را ندیده‌ام و از آن خبر ندارم.

گفتم: این حدیث را فقط علماء شما از قول پیامبر اسلام ﷺ نقل کرده و در پی توجیه حکومت خلفاء بوده‌اند و چند مأخذ از علماء شما دارد از جمله سنن ترمزی جلد ۴ صفحه ۴۳۶

گفت: غرض شما از مطرح ساختن این دو حدیث چه می‌باشد؟

گفتم: اگر من و شما ساعت و آن بعد از وفات پیامبر اسلام ﷺ حیات داشتیم آیا مأمور به معرفت یابی نسبت به امام زمانمان بودیم؟

گفت: بلی

گفتم: امام زمان ما در آن ساعت چه کسی بود؟

اگر بگوئید، ابابکر پیشوایی داشت، می‌گوئیم او که بعد از مدتی انتخاب گردید، قبلاً که پیشوایی نداشت، صحبت ما آن بعد از وفات پیامبر اسلام ﷺ تا انتخاب ابابکر است، در این فتره و فاصله، امام مردم چه کسی بوده است؟

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿۱۲۹﴾

توضیح اینکه اهل سنت انتخاب را کاشف حکومت نمی‌دانند بلکه مثبت حکومت می‌دانند، بنابر این قبل از انتخاب، ابابکر (به قول عامّه) هیچ‌کاره بوده است.<sup>(۱)</sup>

شما بفرمائید بعد از وفات پیامبر ﴿ﷺ﴾ تا انتخاب ابابکر (هر مقدار باشد) امام زمان مسلمین و پیشوای موحدین چه کسی می‌باشد؟

اگر بگوئید در آن فاصله مسلمین امام زمان نداشته‌اند خلاف حدیث سخن گفته‌اید، چون معنی حدیث (من مات...) این می‌شود که همواره باید امام زمانی در جامعه باشد تا مردم او را شناسند.

در مورد حدیث خودتان هم (الخلافة بعدی...) پیامبر اسلام ﴿ﷺ﴾ می‌فرماید:

خلافت بعد از من سی سال است، ظاهر کلمه (بعدی) چه چیزی را می‌رساند،

یعنی: آن بعد از وفات من خلافت آغاز می‌گردد و تا

---

۱ - این استدلال از عالم عظیم‌الشان، فقیه و فیلسوف عالیقدر، معلم ثالث مرحوم میرداماد ﴿رحمه الله﴾ نقل گردید.

مهدی (عج) قطب جهان هستی ..... ﴿ ۱۳۰ ﴾

سی سال طول می کشد، سؤال را تکرار می کنیم، در این فتره و فاصله زمانی یعنی از آن بعد از وفات رسول الله ﷺ تا انتخاب ابابکر چه کسی خلیفه و جانشین پیامبر اسلام ﷺ بوده است؟

اگر بگوئید ابابکر خلیفه بود، می گوئیم قبل از انتخاب که (روی قول شما)<sup>(۱)</sup> او کاره ای نبوده است.

اگر بگوئید در آن فاصله زمانی جامعه بدون خلیفه بوده است، این هم خلاف حدیثی است که خودتان نقل کرده اید که (الخلافة بعدی...) چون این حدیث گویای اینست که، لحظة بعد از وفات پیامبر ﷺ خلافت باید آغاز بشود و نه بعد از گذشت مدتی از وفات او، پس

۱ - حدیث (من مات...) که علماء ما و شما از پیامبر اسلام ﷺ نقل کرده اند.

۲ - حدیث (الخلافة بعدی...) که علماء شما از پیامبر اسلام ﷺ نقل کرده اند، این مطلب را به ما می گوید که: باید امام و خلیفه ای آن بعد از وفات رسول الله ﷺ

۱ - و بنا بر قول شیعه بعد از انتخاب هم کاره ای نبوده است

موجود باشد، تا مردم بعنوان حجّت و امام او را بشناسند و به او مراجعه کنند، و الا در این فاصله زمین خالی از حجّت می ماند و رهبری خلق گسیخته می شود، و مردم در معرفت یابی امام زمانشان، سرگردان می شوند و می گویند ما مأمور به شناخت کسی شده ایم که وجود ندارد.

این بود قسمت مختصری از صحبت اینجانب با آقای عبدالرحمن العلی که نقل کردیم و تفصیل مطالب در مورد ولایت تشریحیه و تکوینیه، و توسّلات و وجود مطهر امام عصر (عجل الله فرجه الشریف) که مدتها طول کشید، باید در نوشته دیگری، بنام (هدایت یافتگان) بعنایت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) بیان و تشریح گردد. ممکن است بگوئید، نتیجه این قسمت مباحثه چه شد و سخن به کجا کشید؟

وقتی اینجانب مطالب یاده شده را در مورد حدیث (من مات...) و (الخلافة بعدی...) گفتم، و از آقای عبدالرحمن سؤال کردم، اگر ما، در آن زمان بودیم به امامت و خلافت چه کسی اعتقاد پیدا می کردیم و چه کسی را باید امام می دانستیم و می شناختیم تا مرگمان مرگ جاهلیت نباشد؟

ایشان خواست از بحث فرار کند، لذا بحثهای دیگری از قبیل

مهدی (عج) قطب جهان هستی..... ﴿ ۱۳۲ ﴾

آیه تطهیر و یا معجزه را پیش کشید.

حقیر گفتم: مسئله اصلی و اولی ما مسئله خلافت و رهبری بعد از رسول گرامی ﴿ ﷺ ﴾ است چرا از بحث فرار میکنید و به مسائل دیگر می پردازید؟ گفت من باید در مورد سؤال شما فکر کنم.

گفتم: بسیار کار خوبی است، اسلام آئین تفکر و تدبّر است اگر خوب فکر کنید و ادله شیعه را در امامت ائمه ﴿ علیهم السلام ﴾ بررسی نمائید، به نتیجه می رسید.

همانطور که بسیاری از افراد، اعم از عالم و غیر عالم بوده اند، که گرایش به مذهب عامّه داشته و ابابکر را خلیفه و جانشین پیامبر اسلام ﴿ ﷺ ﴾ می دانستند، ولی در اثر مباحثه و مطالعه و تفکر به تشیع رو آورده اند، و به دفاع از مکتب ولایت پرداخته اند.

البته ما در مورد آیه تطهیر و معجزات هم بحث می کنیم و از مباحث دینی و مذهبی فراری و روگردان نیستیم ولی فعلاً شما باید در مورد فتره و فاصله بعد از وفات رسول الله ﴿ ﷺ ﴾ نظرتان را بگوئید. جلسه آن روز تمام شد و حقیر چند کتاب در مورد ولایت ائمه ﴿ علیهم السلام ﴾ در اختیار آقای عبدالرحمن العلی گذاشتم.

جلسه بعد، دیدم او از نظر روحی فرق کرده، شادابی خاصی پیدا نموده است، معلوم شد خواب دیده، که آقائی به او عینک داده‌اند. اوّل نگران شده بود ولی دوستان به او گفته بودند، این عینک بصیرت در دین است، چرا نگران شده‌ای؟  
و راستی بصیرت پیدا کرد و آقا دستش را گرفتند.

قبول کرد که امام و خلیفه بعد از پیامبر ﴿ ﷺ ﴾ وجود مطهر حضرت علی ﴿ علیه السلام ﴾ بوده‌اند و خلاصه حق با علی ﴿ علیه السلام ﴾ و خاندان ایشان بوده و هست، خدا می‌داند آن جلسه، چه مقدار شاد و شادی آفرین بود و جوانان شیعه تا چه اندازه در ولایت اهل بیت ﴿ علیهم السلام ﴾ استواری پیدا کردند. (۱)

وقت را مغتنم می‌شمرم و در اینجا به عشاق امام عصر (عجل الله فرجه الشریف) می‌گویم در نشر این قبیل جریانها بکوشید و بدانید همانطور که نقل تشریفات علماء و صلحاء خدمت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) مردم را در طریق هدایت استوارتر می‌سازد، نقل و نشر داستان هدایت یافتگان هم، عقائد مردم را تقویت می‌نماید.



مشت

۱ - نوار مباحثات و منبر آقای شیخ عبدالرحمن العلی موجود است و فیلم سخنرانی و اذان گفتن و نماز خواندن او بطریق شیعه نیز موجود می‌باشد.

## فهرست مندرجات

پیشگفتار..... ﴿۱﴾

### اثر برگزیده (۱)

- ﴿۲﴾ ..... مهر یار محور مودتها
- ﴿۳﴾ ..... محبت اساس دین اسلام
- ﴿۴﴾ ..... موجبات محبت
- ﴿۶﴾ ..... خورشید هم نفع رسان است
- ﴿۷﴾ ..... حبّ شیء مستلزم حبّ آثار شیء است
- ﴿۱۳﴾ ..... محور محبتها
- ﴿۱۷﴾ ..... شگفت انگیزترین مردم از نظر ایمان
- ﴿۲۰﴾ ..... حدیث امام هفتم ﴿علیه السلام﴾ راجع به شیعیان آخرالزمان

### اثر برگزیده (۲)

- ﴿۲۱﴾ ..... نوید پیامبران بر مصلح آخرالزمان
- ﴿۲۴﴾ ..... حکومت واحد جهانی
- ﴿۲۵﴾ ..... سخن گلدیزیر یهودی، اعتقاد به ظهور منجی موعود
- ﴿۲۷﴾ ..... بعثت پیامبر اسلام ﴿ﷺ﴾
- ﴿۲۸﴾ ..... امید آینده
- ﴿۳۰﴾ ..... نوید پیامبران بر مصلح آخرالزمان
- ﴿۳۱﴾ ..... روایات اسلامی ما
- ﴿۳۲﴾ ..... انجیل چه می گوید؟
- ﴿۳۳﴾ ..... شباهت امام مهدی ﴿علیه السلام﴾ به حضرت عیسی ﴿علیه السلام﴾

### اثر برگزیده (۳)

- ﴿۳۵﴾ ..... پرتو نور هو، اشراق نور ربّ
- ﴿۳۷﴾ ..... شیعه به بداء معتقد است
- ﴿۳۷﴾ ..... سؤال در مورد اسماعیل فرزند امام صادق ﴿علیه السلام﴾
- ﴿۴۰﴾ ..... آیات در مورد حکومت حضرت ولیّ عصر ﴿علیه السلام﴾
- ﴿۴۳﴾ ..... یک مدرک زنده

### اثر برگزیده (۴)

- ﴿۴۸﴾ ..... اشک جوان بر امیر زمان ﴿علیه السلام﴾
- ﴿۴۹﴾ ..... آینه خدا نما
- ﴿۵۴﴾ ..... این تذهیبون؟
- ﴿۵۷﴾ ..... چرا به آینه خدانمائی نگاه نمی کنید

### اثر برگزیده (۵)

- ﴿۶۰﴾ ..... امام زمان ﴿علیه السلام﴾ نشاط بخش روزگاران
- ﴿۶۴﴾ ..... شناخت امام ﴿علیه السلام﴾
- ﴿۶۶﴾ ..... صراط
- ﴿۷۰﴾ ..... تفسیر و توضیح آیه نور
- ﴿۷۵﴾ ..... علّت انحطاط مسلمین
- ﴿۷۸﴾ ..... فاقد شیء نمی تواند معطی شیء باشد

### اثر برگزیده (۶)

- ﴿۸۱﴾ ..... مهدی ﴿علیه السلام﴾ قلب جهان هستی
- ﴿۸۳﴾ ..... مطلوب حدیث من مات



- راه معرفت یابی ..... ﴿۸۴﴾
- برطرف کردن موانع معرفت ..... ﴿۸۵﴾
- داستان سید موسی زراآبادی ﴿قَدِّسَ سِرُّهُ﴾ ..... ﴿۸۸﴾
- بندگان شایسته ..... ﴿۹۰﴾
- ادب در برابر اسلام ..... ﴿۹۱﴾
- تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل ..... ﴿۹۲﴾
- شرط قبول توحید و رسیدن به کمال ..... ﴿۹۳﴾
- علّت اصلی انحطاط ..... ﴿۹۴﴾
- وجود مطهر حضرت مهدی ﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾ ..... ﴿۹۶﴾
- ثمره هستی ..... ﴿۱۰۱﴾
- سئوال در مورد علم امام ﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾ ..... ﴿۱۰۳﴾
- پاسخ مطلب ..... ﴿۱۰۴﴾
- آیا غیر خدا، علم غیب دارد ..... ﴿۱۰۴﴾
- هشدار به نسل جوان ..... ﴿۱۱۱﴾
- ولایت تکوینیّه حضرت ولیّ عصر ﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾ ..... ﴿۱۱۲﴾
- نکته ..... ﴿۱۱۵﴾
- هدایت یافتگان ..... ﴿۱۱۸﴾
- نظریّه آیت الله طباطبائی ﴿قَدِّسَ سِرُّهُ﴾ در مورد مدّعی رؤیت ..... ﴿۱۲۰﴾
- هدایت یابی خطیب عراقی ..... ﴿۱۲۶﴾
- نمونه‌ای از مباحثات با خطیب عراقی ..... ﴿۱۲۷﴾
- فهرست ..... ﴿۱۳۴﴾